



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



الرحمن  
علیه صاب

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

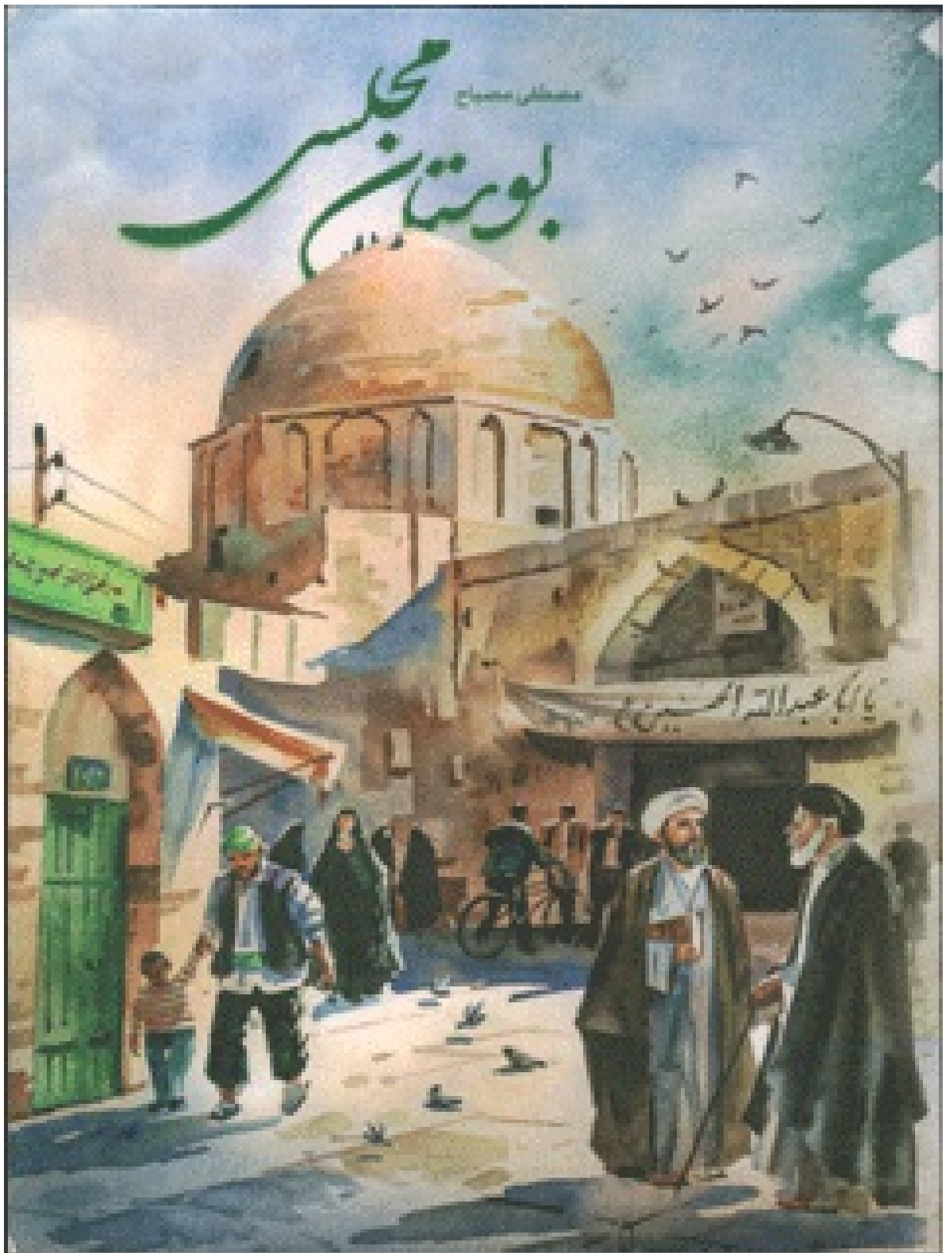
.org

.net

.ir

# مجلس بومنتن

مجلس بومنتن



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# بوستان مجلسی

نویسنده:

مصطفی مصباح

ناشر چاپی:

مرغ سلیمان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۸	بوستان مجلسی
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۰	فهرست
۱۴	مقدمه
۱۵	نمونه ای از لطف مرحوم علامه مجلسی رحمه الله
۱۶	اهمیت مسجد از دیدگاه قرآن و عترت
۱۶	اشاره
۱۶	سیری پیرامون مساجد در روایات معصومین علیهم السلام
۱۸	اعتکاف در مساجد جامع
۱۸	معرفی بنای مسجد جامع اصفهان
۲۱	جایگاه آرام دل ها، امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۲۱	تشرف استاد نعل بند اصفهانی در مسجد جامع
۲۵	مسجد جامع، محل نورافشانی حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۲۶	طلبه ای عاشق و دلداده به جمال بی مثال حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۲۶	اشاره
۲۷	علامه محمد تقی مجلسی رحمه الله
۲۷	محمدتقی مجلسی رحمه الله و تربیت خانوادگی
۲۸	دوران اقامت علامه محمد تقی مجلسی رحمه الله در نجف اشرف
۲۸	رؤیایی صادق از زبان علامه محمد تقی مجلسی رحمه الله
۲۹	مکاشفه
۲۹	تشرف مرحوم محمد تقی مجلسی رحمه الله در عسگریین علیهم السلام
۳۱	تشرف علامه محمد تقی مجلسی خدمت حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

- ۳۱ ..... هدیه صحیفه سجادیه از طرف حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ۳۴ ..... علامه محمد باقر مجلسی رحمه الله
- ۳۴ ..... اشاره
- ۳۵ ..... دعایی مستجاب در حق فرزند از سوی علامه محمدتقی مجلسی رحمه الله
- ۳۶ ..... علامه محمد باقر مجلسی رحمه الله باب الاثمه علیهم السلام
- ۳۶ ..... تشرف علامه مجلسی رحمه الله در راه بازگشت از تبلیغ
- ۴۰ ..... به دستور صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آمدن برای گرفتن کتاب ها
- ۴۲ ..... اثر کلام علامه مجلسی رحمه الله
- ۴۳ ..... برآورده شدن حاجات با توسل به قبر علامه مجلسی رحمه الله
- ۴۴ ..... شفاعت علامه محمد باقر مجلسی رحمه الله خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)
- ۴۵ ..... وفات علامه محمد باقر مجلسی رحمه الله
- ۴۵ ..... گوشه ای از وصیت نامه علامه محمد باقر مجلسی رحمه الله
- ۴۶ ..... جسمی سالم پس از قرن ها
- ۴۷ ..... تألیفات علامه محمد باقر مجلسی
- ۵۷ ..... تشرف آیه الله میرجهانی رحمه الله در سرداب مقدس
- ۶۰ ..... آیه الله صافی رحمه الله
- ۶۴ ..... دلباخته جمال حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ۶۴ ..... اشاره
- ۶۶ ..... تشرف به محضر حضرت صاحب العصر والزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ۶۸ ..... توفیق تشرف دیدار امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دومکان
- ۶۸ ..... اشاره
- ۷۰ ..... آیه الله طبیب زاده رحمه الله
- ۷۱ ..... آیه الله سید ضیاء الدین علامه رحمه الله
- ۷۳ ..... آیه الله هاشمی رحمه الله
- ۷۴ ..... آیه الله مدرس رحمه الله
- ۷۶ ..... آیه الله زاهد رحمه الله

آیه الله بهشتی رحمه الله ..... ۷۷

شخصیت های مدفون در بقعه علامه مجلسی رحمه الله ..... ۷۸

درباره مرکز ..... ۸۱

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ سورة فاطر، آیه 28

سرشناسه مصباح، مصطفی، 1339

عنوان و نام پدیدآور: بوستان مجلسی / نویسنده مصطفی مصباح

مشخصات نشر: اصفهان مرغ سلیمان، 1400.

مشخصات ظاهری: 72 ص نمونه عکس

شابک: 978-600-7453-58-2

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، 1037 - 1110 ق. موضوع: Majlesi, Mohammad Baqir

موضوع: بقعه علامه مجلسی (اصفهان)

موضوع: مجتهدان و علما -- ایران -- اصفهان -- سرگذشتنامه

Ulama -- Iran -- Esfahan -- Biography

رده بندی کنگره: BP55/2

رده بندی دیویی: 297/996

شماره کتابشناسی ملی: 8774019

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم نرگس قمی

ص: 1

اشاره



نویسنده: مصطفی مصباح نقاشی جلد کوروش اصلانی

صفحه آرا: حسین غلامرضائی

نوبت چاپ اول، 1401

شمارگان: 1000 جلد

قیمت 30000 تومان

انتشارات مرغ سلیمان

مرکز پخش اصفهان خیابان صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بنیاد مهدویت و آینده پژوهی

تلفن تماس: 09134242613

حق چاپ محفوظ است.

ص: 2

نمونه ای از لطف مرحوم علامه مجلسی (رحمه الله) ... 8

اهمیت مسجد از دیدگاه قرآن و عترت ... 9

سیری پیرامون مساجد در روایات معصومین علیهم السلام ... 9

اعتکاف در مساجد جامع ... 11

معرفی بنای مسجد جامع اصفهان ... 11

جایگاه آرام دلها، امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ... 14

تشریف استاد نعل بند اصفهانی در مسجد جامع ... 14

مسجد جامع محل نورافشانی حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ... 18

طلبه ای عاشق و دلداده به جمال بی مثال حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ... 19

علامه محمد تقی مجلسی رحمه الله ...20

محمد تقی مجلسی رحمه الله و تربیت خانوادگی ...20

دوران اقامت علامه محمد تقی مجلسی رحمه الله در نجف اشرف ...21

رؤیایی صادقه از زبان علامه محمد تقی مجلسی رحمه الله ...21

مکاشفه ...22

تشرف مرحوم محمد تقی مجلسی رحمه الله در عسگرین علیهما السلام ...22

تشرف علامه محمد تقی مجلسی رحمه الله خدمت حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ...24

هدیه صحیفه سجادیه از طرف حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ...24

علامه محمد باقر مجلسی رحمه الله ...27

دعایی مستجاب در حق فرزند از سوی علامه محمد تقی مجلسی رحمه الله ...28

علامه محمد باقر مجلسی رحمه الله باب الاثمه علیهم السلام ...29

تشرف علامه مجلسی رحمه الله در راه بازگشت از تبلیغ ...29

به دستور صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آمدن برای گرفتن کتابها ...33

اثر کلام علامه مجلسی رحمه الله ...35

بر آورده شدن حاجات با توسل به قبر علامه مجلسی رحمه الله ...36

شفاعت علامه محمد باقر مجلسی رحمه الله خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ...37

وفات علامه محمد باقر مجلسی رحمه الله ...38

گوشه ای از وصیت نامه علامه محمد باقر مجلسی رحمه الله ...38

جسمی سالم پس از قرنهای ...39

تالیفات علامه محمد باقر مجلسی ...40

آية الله ميرجهانی رحمه الله ...49

تشرف آية الله ميرجهانی رحمه الله در سرداب مقدس ...50

آية الله صافی رحمه الله ...53

دلباخته جمال حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) ...57

تشرف به محضر حضرت صاحب العصر و الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) ...59

توفیق تشرف دیدار امام مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) در دو مکان ...61

آية الله طیب زاده رحمه الله ...63

آية الله سيد ضياء الدين علامه رحمه الله ...64

آية الله هاشمی رحمه الله ...65

آية الله مدرس رحمه الله ...66

آية الله زاهد رحمه الله ...68

آية الله بهشتی رحمه الله ...69

شخصیت‌های مدفون در بقعه علامه مجلسی رحمه الله ...70

ص: 5



از دوران کودکی میشنیدیم یکی از مکانهای با شرافت که مردم برای زیارت انتخاب میکنند زیارت قبور علامه مجلسین رحمه الله علیهما و فرزندان و وابستگان به آنها میباشد

کم کم با بزرگ ترهایمان به این مکان مقدس آمدیم و عظمت این بارگاه را درک نمودیم و مشاهده کردیم از علماء و فضلا و گروه های مختلف مردم در طول شبانه روز به زیارت این بقعه مبارک میآیند و از روح آن عالمان شایسته بهره مند میگردند و آنها را واسطه به درگاه پروردگار برای کسب حوائج خود قرار میدهند.

## نمونه ای از لطف مرحوم علامه مجلسی رحمه الله

روزی مرحوم آیه الله صافی رحمه الله به بنده گفتند: آیه الله صدیقین رحمه الله با شما راجع به کتابی از پدرتان صحبت دارند به منزل ایشان بروید. وقتی به حضورشان رفتم بعد از سؤال پیرامون کتاب سؤالاتی مطرح شد. از ایشان برای درخواست حاجتی راهنمایی خواستم بعد از چند لحظه سکوت گفتند همین الان که از پیش من میروید کنار قبر علامه مجلسی رحمه الله بروید و درخواست حاجت کنید به آن بقعه شریف رفتم و بعد از قرائت قرآن درخواست حاجت نمودم که طولی نکشید با عنایت پروردگار آن حاجت برآورده شد.

سه توصیه از حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

1. رفتن به زیارت قبور امامزادگان

2. زیارت قبور علماء

3. رفتن بر سر قبر پدر و مادر

آری ذکر و یاد سیره عملی آن خوبان که از اهل بیت علیهم السلام سرمشق گرفتند بنده را بر آن داشت تا نکاتی از زندگانی سراسر با شرافت آنان را جمع آوری و به دوستان هدیه نمایم.

اگرچه بزرگانی در طول تاریخ این خدمت جامع و کامل را انجام داده اند مانند مرحوم آیه الله علی دوانی و مرحوم محقق محترم سید مصلح الدین مهدوی و کتاب کارنامه علامه مجلسی و....

خداوند این خدمات را از همگان قبول و جایگاه آن عزیزان را قرین با اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام قرار دهد.

ص: 8

یکی از مکانهایی که خداوند در روی زمین برای عبادت خودش به بندگانش دستور فرموده است مساجد میباشد که خداوند پیرامون شرافت مسجد در قرآن آیاتی نازل فرموده است که چند نمونه از آن بیان میشود.

1. و این مساجد از آن خداست پس هیچکس را با خداوند نخوانید. (جن 17)

2. مساجد الهی را تنها کسی آباد میکند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و نماز را بر پا دارد و زکات را پردازد و از چیزی به جز خدا، نترسد امید است چنین گروهی هدایت یابند (توبه/18).

3. بگو پروردگام امر به عدالت کرده است و توجه خویش را در هر مسجد به سوی او کنید و او را بخوانید در حالی که دین را برای او خالص گردانید (اعراف 29)

4. ای فرزندان آدم هنگام رفتن به مسجد خود را با زینت بیارید. اعراف (31)

5. آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده شایسته تر است که در آن به عبادت و نماز بایستی در آن مردانی هستند که دوست میدارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد. (توبه/108)

### سیری پیرامون مساجد در روایات معصومین علیهم السلام

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) است که فرمودند:

محبوبترین جای شهرها نزد خدا مساجد آن شهر است.

(نهج الفصاحه، حدیث 11)



از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) که فرمودند:

مساجد بهترین مکان ها است.

(روضه المتقین، جلد 7، صفحه 29)

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) روایت است که فرمودند

مساجد خانه های خداوند است.

من لا يحضره الفقيه، جلد 1 صفحه 100

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل است که فرمودند: مساجد نورهای خداوند است.

(مستدرک الوسائل، جلد 3، صفحه 447)

از رسول خدا صلی الله علیه وسلم نقل شده که فرمودند:

مجلس مؤمن مسجد است.

(وسائل الشیعه، جلد 3، صفحه 506)

خداوند متعال می فرماید:

خانه های من در زمین همانا مسجد است که برای اهل آسمان می درخشند آنگونه که ستارگان برای اهل زمین می درخشند. خوشا به حال آنان که مساجد را خانه خود قرار داده اند، خوشا به حال بنده ای که در خانه خود وضو میگیرد و مرا در خانه ام زیارت می کند آگاه باشید که بر زیارت شونده لازم است که زائر خویش را بزرگ شمرده و به وی احسان نماید. کسانی که در دل تاریکی شب به سوی مساجد گام بر می دارند به نوری درخشان در روز قیامت بشارت ده.

وسائل الشیعه، جلد 1، صفحه 268

ص: 10

از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت است که فرمودند:

خواندن نماز در مسجد جامع برابر با صد نماز است.

محاسن برقی جلد 1 صفحه (111)

### اعتکاف در مساجد جامع

یکی از راههای رسیدن به مقام قرب به پروردگار در عبادتها اعتکاف میباشد و از معصومین علیهم السلام است که در مساجد جامع بر پا شود.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

هیچ اعتکافی صحیح نیست جز همراه با روزه گرفتن در مسجد جامع.

(کافی)، جلد 4، صفحه 176)

مسجد جامع سرای بی دل است \*\*\* فهم اسرار درونش مشکل است

### معرفی بنای مسجد جامع اصفهان

مسجد جمعه یا مسجد جامع اصفهان از مهمترین و قدیمی ترین بناهای تاریخی ایران است که با نامهای مسجد عتیق و مسجد جمعه نیز شناخته می شود. این مسجد بناهای متعددی را در خود جای داده که از جمله آن میتوان به صحن چهار ایوانی شبستان ها، مدرسه مظفری، گنبد نظام الملک، گنبد تاج الملک محراب الجایتو، چهار ایوان معروف به صفا، صاحب، استاد، شاگرد درویش و... اشاره کرد.

مسجد جامع را از قدیمی ترین بنای تاریخی اصفهان میدانند و برخی بر این باورند که سنگ بنای این ساختمان بر روی سازه ای از دوران ساسانیان گذاشته شده است

ص: 11

بیشتر بنای کنونی مسجد به دوران سلجوقیان تعلق دارد و نشانه هایی از ساخت و ساز اصلاحات در طول زمان به چشم میخورد

مسجد جامع تاریخ پرفرازونشیبی را پشت سر گذاشته و در اثر آتش سوزی و جنگهای متعدد و ناآرامیهای دوران مختلف آسیبها و تعمیرات فراوانی را به خود دیده است.

کاشی کاری های کم نظیر مقرنسها گچبری های مفصل، ستونهای زیبا و کتیبه ها از جمله دیدنیهای این بنا هستند و چشم بینندگان را به خود خیره میکنند

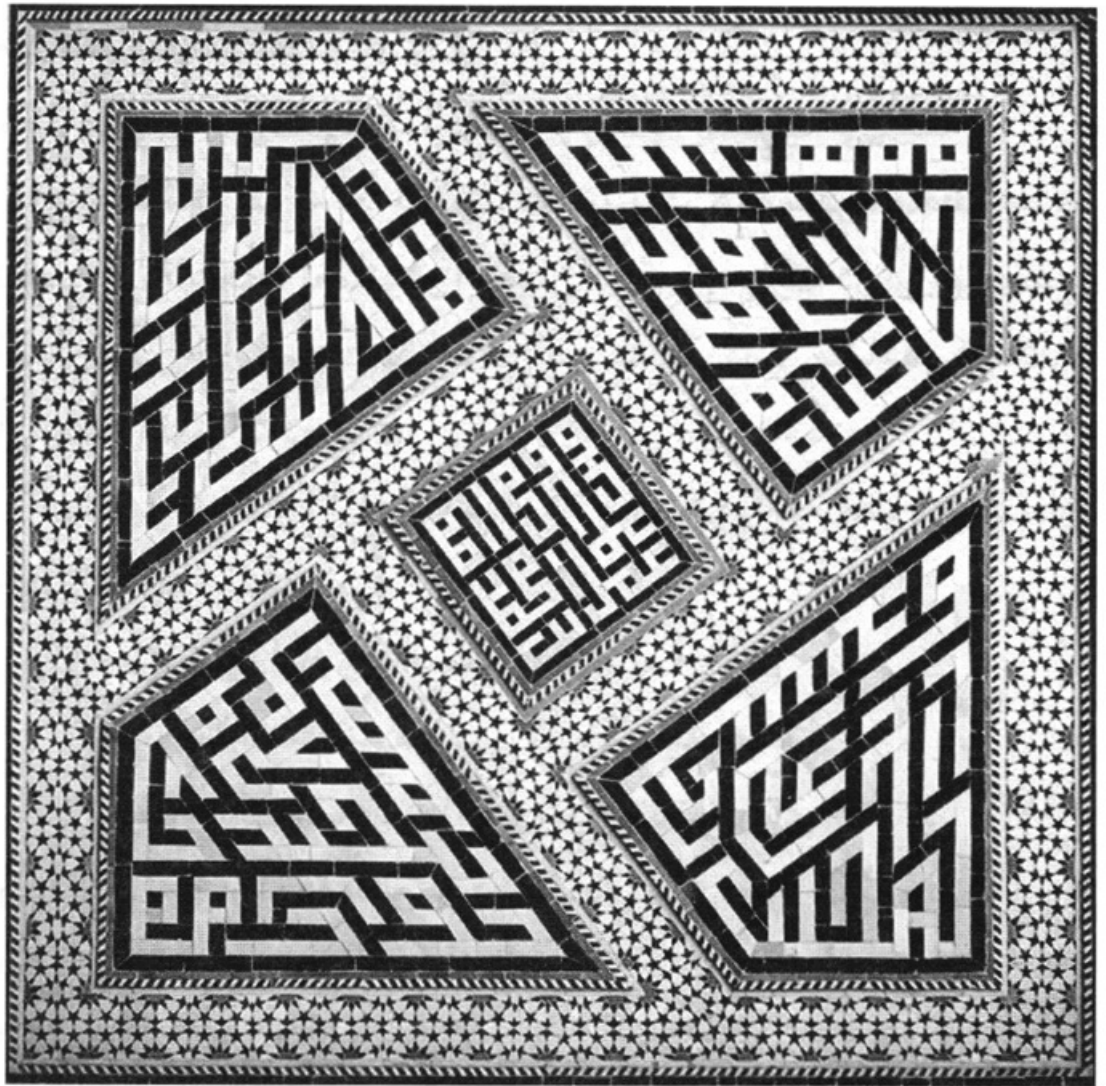
سبک معماری مورد استفاده در ساخت مسجد جامع اصفهان رازی بوده است و بیشتر کارشناسان این اثر را منعکس کننده هنر کلاسیک در قالب یک بنای سنتی اسلامی میدانند

چو بر مسجد جامعش بگذری \*\*\* هزاران هنر اندر آن بنگری

به طاق معلق اگر پی بری \*\*\* به جیب تفکر بیر سر فرو

سر انگشت حیرت به لب آوری \*\*\* ره کشف این راز پنهان بجو

بر روی یک نمونه از زیباترین کتیبه ها در شمال ایوان ضلع غربی مسجد موجود است. این اشعار نوشته شده است.



چون نامه جرم ما به هم پیچیدند \*\*\* پیش از همه کس گناه ما بود ولی

بردند و به میزان عمل سنجیدند \*\*\* ما را به محبت علی بخشیدند

## جایگاه آرام دل ها، امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

مکان هایی که به حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) منسوب می باشد. همه مقاماتی که به آن حضرت منسوبند در همه شهرها مخصوصاً در نجف، کربلا، حلّه، نعمانیه و اصفهان که قدوم مبارک در آن نهاده اند و ایشان را در حال عبادت یا برطرف کردن مشکل کسی مشاهده کرده اند و آن بسیار اتفاق افتاده است

در شهر اصفهان 3 مقام است که بدون تردید به مقدم مبارک آن حضرت مزین گشته است.

1. حرم مطهر امام زاده اسماعیل (علیه السلام)

2. مرقد مبارک علامه مجلسی رحمه الله و مسجد جامع

3. مرقد مبارک شیخ العلما آقای شیخ مرتضی ریزی رحمه الله

و برای هر یک از آنها وقایع مورد اعتمادی برای خود حقیر و دیگران رخ داده که شاهد این مطلب می باشد (1)

او را چو چشم پاک توان دید چون هلال \*\*\* هر دیده جای جلوه آن ماه پاره نیست

## تشریف استاد نعل بند اصفهانی در مسجد جامع

استاد جعفر نعل بند اصفهانی آن جناب را در غیبت کبری میبیند و هنگام تشریف حضرت را میشناسد

دیدم به خط جناب مستطاب عمدة العلما الاعلام و ثقة الاسلام آقای میرزا محمد باقر اصفهانی داماد مرحوم حجت الاسلام آقای حاج آقا معزالدین بروجردی اصفهانی که فرمودند:

در ارض اقدس خراسان روز یکشنبه هفتم ماه شعبان از سنه هزار و

ص: 14

---

1- کتاب یاد مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آرام دل، ص 121 مرحوم آیه الله میرزا محمد باقر فقیه ایمانی رحمه الله

سیصد و شصت هجری، مولای معظم آقای حاج میرزا محمد علی گلستانه اصفهانی فرمودند: عموی من سید سند صالح آقای سید محمد علی برای من نقل فرمودند: زمان ما در اصفهان شخصی به نام جعفر نعل بند بود، او صحبت هایی میکرد که موجب طعن و رد مردم بر او شده بود، مثل آنکه به طی الارض به کربلا رسیده یا مردم را به صورتهای مختلف دیده و یا درک شرف خدمت حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نمودن و برحسب بد حرفی مردم او هم آن صحبتها را ترک نمود تا آن که روزی برای زیارت مقبره متبرکه تخت فولاد میرفتم بین راه دیدم جعفر نعل بند هم میروید. نزدیک او رفتم گفتم میل داری در راه باهم باشیم؟

گفت چه ضرر دارد باهم صحبت کنیم زحمت راه را هم نمیفهمیم قدری باهم صحبت کردیم سپس پرسیدم این صحبت ها که از تو نقل کنند چیست؟ صحت دارد یا نه؟ گفت آقا از این مطلب بگذرید. اصرار کردم و گفتم من که بی، غرضم مانعی ندارد بگویی گفت

آقا شرح حال من آن است که از پول کسب نعل بندی خود، بیست و پنج سفر کربلا مشرف شدم و همه را برای روز عرفه می رفتم، در سفر بیست و پنجم در بین راه شخصی یزدی با من رفیق شد چند منزل که رفتیم مریض شد و مرض او کم کم تشدید شد سپس به یک منزلی رسیدیم که خوفناک بود و به این سبب دو روز قافله را در کاروان سرا نگاه داشتند تا قافله دیگر برسد و جمعیت زیادتر شوند آنگاه حال او بدتر شد و به موت مشرف گردید. روز سوم که قافله خواست حرکت کند، در امر رفیق مریض

خود متحیر ماندم که چگونه او را به این حال تنها بگذارم و وظیفه دینم را رها کنم و چگونه بمانم و زیارت عرفه که بیست و چهار سال برای درک آن جدیت تمام داشتم از من فوت شود.

آخر الامر بعد از فکر بسیار بنایم بر رفتن شد، مقارن حرکت قافله پیش او رفتم و گفتم من میروم و دعا میکنم خداوند تو را هم شفا مرحمت میفرماید چون این را شنید اشکش ریخت و گفت: من یک ساعت دیگر از دنیا می روم صبر کن و چون مردم خورجین و اسباب و الاغ من همه مال تو باشد. مرا با همین الاغ به کرمانشاه برسان و از آنجا هم به هر که راحت باشد مرا به کربلا برسان وقتی این حرف را زد و گریه او را دیدم دلم به حال او رقت کرد و از جا کنده شد، ماندم و قافله رفت. قدری که گذشت، از دنیا رفت او را بر الاغ بستم و حرکت کردم چون از کاروان سرا بیرون رفتم دیدم قافله پیدا نیست ولی گردوغبار آنها را از دور میدیدم تا یک فرسخ راه رفتم به هر نحوی بدن را بر الاغ میبستم قدری که میرفتم می افتاد و هیچ قرار نمیگرفت معذک خوف تنهایی بر من غلبه کرد دیدم نمیتوانم او را ببرم و حالم پریشان شد. ایستادم به جانب حضرت سید الشهداء (علیه السلام) توجه کردم و با چشم گریان عرض کردم آقا آخر من با زائر شما چه کنم؟ اگر او را در این بیابان بگذارم که مسئول خدا و هستم و اگر بخواهم او را بیاورم که نمیتوانم و در مانده شده ام. در این حال دیدم چهار نفر سوار پیاده شدند سوار بزرگتری که میان آنها بود گفت: جعفر با زائر ما چه میکنی؟ عرض کردم آقا چه کنم در کار او

درمانده ام. سه نفر دیگر پیاده شدند یک نفر از آنها نیزه ای در دست داشت نیزه را در گودال آبی که خشک شده بود فروبرد، آب جوشید و گودال پر شد. سپس بدن را غسل دادند بزرگتر آنها ایستاد و با ما بر او نماز خواند آنگاه او را محکم بر الاغ بستند و ناپدید شدند. آنگاه من به راه خود ادامه دادم یک باره دیدم از قافله ای گذشتم که زودتر از ما حرکت کرده بودند؛ جلو رفتم تا اینکه دیدم به قافله ای رسیده ام که آنها هم پیش از آن قافله حرکت کرده بودند. طولی نکشید دیدم به پلی نزدیک کربلا رسیدم و در تعجل الله تعالی فرجه الشریف و حیرت بودم که این چه واقعه ای است پس بدن او را بردم و در وادی ایمن دفن کردم تقریباً بعد از بیست روز دیگر قافله ما رسیدند. هر یک از اهل قافله میپرسیدند: تو کی و چگونه آمدی؟ من برای بعضی به اجمال و برای بعضی به شرح میگفتم و آنها تعجل الله تعالی فرجه الشریف میکردند.

روز عرفه شد، من به حرم مطهر رفتم و مردم را به صورت حیوانات مختلف از قبیل، گرگ خوک میمون و غیره و جمعی را هم به صورت انسان میدیدم پس از شدت وحشت زدگی. برگشتم. قبل از ظهر و بعد از ظهر که مجدد به حرم مشرف شدم، باز افراد را به همان حالت میدیدم و برگشتم. فردا که به حرم رفتم همه را به همان صورت انسان دیدم بعد از این سفر چند سفر دیگر مشرف شدم باز روز عرفه مردم را به صورت حیوانات مختلف و در غیر از آن روز به همان صورت انسان میدیدم به این سبب تصمیم گرفتم دیگر برای عرفه مشرف نشوم و چون این امور و وقایع را برای مردم نقل میکردم طعن و بدگویی میکردند و میگفتند: برای یک سفر زیارت رفتن چه ادعاهایی میکند و لذا من به کلی نقل این وقایع را



ترک کردم تا آنکه شبی با عیالم مشغول غذا خوردن بودم، دیدم صدای در بلند شد. رفتم در را باز کردم،

دیدم شخصی میفرماید: حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تو را طلبیده است به همراه ایشان تا در مسجد جامع، رفتم دیدم منبر بسیار بلندی در صفا ای بود و آن حضرت (علیه السلام) بالای منبر تشریف داشتند آن صفا هم مملو از جمعیت بود و آنها در لباس عامه مانند شوستری ها بودند. من در فکر فرورفتم که از میان این جمعیت چگونه میتوانم خدمت ایشان برسم پس به من توجه فرمودند و من را صدا زدند جعفر بیا من تا مقابل منبر رفتم.

فرمودند چرا آنچه را که در کربلا دیدی برای مردم نقل نمیکنی؟

عرض کردم: آقا من نقل میکردم از بس مردم بدگویی کردند نقل آنها را ترک کردم

فرمودند: تو کاری به حرف مردم نداشته باش، نقل کن تا مردم بفهمند که ما چه نظر مرحمت و لطفی با زائر جدم حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) داریم.

### مسجد جامع، محل نورافشانی حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

یهدی الله لنوره من یشاء (سوره نور، آیه 35)

خدا هر که را خواهد به نور خود هدایت کند (به قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) [\(1\)](#))

سخن را از اینجا آغاز کنیم

شب های مهمانی بندگان خدا در ماه مبارک رمضان که سفره قرآن ذکر و دعا برای رسیدن بنده به قرب پروردگار پهن است یکی از مکان های

ص: 18

با شرافت که جمعی از اهل دل برای خواندن دعای ابوحمزه ثمالی از امام سجاد (علیه السلام) که بیش از پنجاه سال از تأسیس آن میگذرد گرد هم جمع می شوند، مسجد جامع اصفهان است.

در این تجمع الهی بعضی از علماء و صاحب دلانی همچون مرحوم آیه الله شیخ حسن صافی رحمه الله، مرحوم آیه الله حاج سید محمدعلی موحد رحمه الله آیه الله سید حسن امامی رحمه الله همشین مؤمنین در مسجد جامع بودند. مجلس دعا با نوای خطیب توانا و دل سوخته امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی مظاهری برپا میشد که ایشان در بین دعا اشعار عالم عامل مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی رحمه الله و سروده های مرحوم آیه الله سید حسن میرجهانی رحمه الله را زمزمه میکرد که حال و هوای دیگری به مجلس دعا می داد و صدای یا بن الحسن با اشک و آه در فراق آن عزیز از همگان در دل شب بلند میشد

### **طلبه ای عاشق و دلداده به جمال بی مثال حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)**

#### **اشاره**

در یکی از شب ها که بیش از بیست سال از آن میگذرد بعد از تمام شدن مجلس دعا طلبه ای که عاشق مولایش صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بود پیش این حقیر آمد و از حال خوشش با امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سخن گفت تا به این نکته رسید که در یکی از این شبها که جلسه دعای ابوحمزه برقرار بود خیلی به یاد مولا بقیة الله بودم و با دیدگان گریان مدام مولا را صدا میزدم در آن لحظاتی که برقها را خاموش کردند و مرحوم آقای مظاهری

دعای الهی عظم البلاء را با حال خوشی میخواندند تا اینکه به نام یا مولای یا صاحب الزمان رسیدند و همگان از جا بلند شدند ناگهان نور حضرتش که چشم را خیره میکرد از طرف قبله وارد مسجد جامع شد و حالم را دگرگون کرد که قابل وصف نیست در پایان گفت: با تقال به قرآن این جریان را برای بنده نقل کرد. **إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا** (سوره اسراء آیه 87)

### علامه محمد تقی مجلسی رحمه الله

علامه محمد تقی مجلسی در سال 1003 هـ.ق در اصفهان متولد شد. پدرش مرحوم ملا مقصود علی دانشمندی با کمالات ظاهری و باطنی بود و به دلیل مجلس پربار خویش به لقب مجلسی مشهور گردید. ایشان دارای سه فرزند پسر و چهار دختر بود

### محمد تقی مجلسی رحمه الله و تربیت خانوادگی

از زراره روایت است که از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) سؤال شد: چه وقت نماز بر بچه واجب میشود؟

حضرت فرمودند که هرگاه نماز را بفهمد و شش سالش تمام شود چون غالب اوقات در شش سالگی میتوان به آن فهماند که خداوندی دارد.

علامه محمد تقی مجلسی رحمه الله میگوید و الحمد لله رب العالمین که بنده در چهار سالگی همه اینها را میدانستم و در مسجد صفا نماز شب را میخواندم و نماز صبح را به جماعت میخواندم و به تعلیم پدرم بچه ها را به خواندن آیه و حدیث نصیحت میکردم. **(1)**

ص: 20

## دوران اقامت علامه محمد تقی مجلسی رحمه الله در نجف اشرف

گویی به او در نجف الهام شده بود که باقی راه و ادامه زندگی را چگونه سپری کند بیشتر گوشه خلوت و ذکر و ریاضت را انتخاب کرده بود

### رؤیایی صادقانه از زبان علامه محمد تقی مجلسی رحمه الله

شیخی امیرالمؤمنین (علیه السلام) را در خواب دیدم حضرت با ملاحظت و مهربانی با من سخن میگفت.

فرمود اینجا اقامت نکن و به اصفهان برگرد؛ وجود تو در آنجا مفیدتر است. اما من که شوق بسیاری به زیارت حضرت و اقامت در جوار بارگاهش را داشتم مکرراً تقاضای اجازه اقامت کردم تا اینکه فرمود: در این سال شاه عباس میمیرد و شاه صفی به جای او حکومت خواهد کرد اتفاقات ناگوار و فتنه هایی رخ خواهد داد تو باید در اصفهان باشی و به هدایت مردم توجه داشته باشی تو میخواهی تنها به درگاه خدا بیایی و حق تعالی چنین مقدر کرده است که به برکت تو هفتاد هزار نفر به درگاه او بیایند؛ پس باید مراجعت کنی

پس از این ماجرا روانه شدم و به اصفهان آمدم این واقعه را برای یکی از نزدیکان خود بازگو کردم که او هم برای شاه صفی که در آن زمان در مدرسه صفویه بود نقل کرده بود پس از گذشت مدت کوتاهی شاه عباس در سفر مازندران فوت کرد و سپس شاه صفی به حکومت رسید. (1)

ص: 21

علامه محمدتقی مجلسی رحمه الله میگوید در حوالی روضه مقدس شروع به مجاهده نفس نمودم و خداوند به برکت مولای ما که دروهای خدا بر او باد بابهای مکاشفه را که عقلهای ضعیف تحمل آن را ندارند بر من گشود (1)

### تشریح مرحوم محمدتقی مجلسی رحمه الله در عسگرین علیهم السلام

مجلسی اول در شرح من لا یحضره الفقیه در ذیل بیان زیارت جامعه میگوید

چون به زیارت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) مشرف شدم به خاطر رسیدن تا چند روزی مشغول به عبادت و ریاضت سخت و مشکل شوم و اکثر روزها در مقام حضرت صاحب الامر (علیه السلام) بودم که واقع است در خارج نجف اشرف و بعد از ده روز تقریباً پرده ها کنار رفت و محبتی ترکیب از محبت خداوند و محبت حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پیدا شد.

شب ها پروانه وار بر دور روضه مقدسه میگشتم و گاهی در رواق عمران به سر میبردم و روزها در مقام حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بودم تا اینکه شبی در رواق عمران نشسته بودم و چرتی دست داد که گویا بر روضه مقدسه عسگرینم و قبر آن دو امام علیهما السلام را در نهایت ارتفاع و طول و عرض دیدم و روی صندوق را با پوششی از مخمل سبز پوشانده بودند و حضرت صاحب الامر (علیه السلام) پشت بر صندوق داده اند.

چون نظرم به آن حضرت افتاد شروع به خواندن زیارت جامعه کبیره که حفظ داشتم نمودم تا اینکه جمیع زیارت را بر آن حضرت خواندم و چون

ص: 22

زیارت تمام شد حضرت فرمودند که نعمت الزیارة خوب زیارتی است. اشاره کردم به قبر امام هادی (علیه السلام) که زیارت از جد شما میباید؟ حضرت تقریر فرمودند. آنگاه حضرت فرمودند: داخل شو!

داخل شدم و میل به دست راست نموده ایستادم، حضرت فرمودند: که پیش بیا

عرض کردم یا بن رسول الله صلی الله علیه وسلم میتروم که از من ترک ادبی واقع شود و کافر شوم.

فرمودند کافر نمیشوی پیش بیا

قدمی پیش رفتم و ایستادم

باز فرمودند: پیش بیا

جلالت آن حضرت مانع بود و اطاعت او واجب و در اضطراب بودم که حضرت فرمودند مترس و پیش بیا تا نزدیک رفتم

فرمودند بنشین

دوزانو نشستم با حالت ارتعاش و اضطراب تمام و آن حضرت توجهات بسیار به من فرمودند تا آن حالت چرت برطرف شد و آن عشق حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) منقلب به عشق حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شد و در همان روز یا روز بعد به زیارت عسگرین علیهما السلام رفتم و پس از ماندن یک شب در روضه مقدسه عسگرین فتوحات عظیمه برایم دست داد و آنچه را در رواق عمران دیده بودم همه برایم واقع شد. (نقل این تشرف با کمی تغییر در عبارات بیان شد زیارت جامعه زیارتی است که میتوان هر یک از ائمه علیهم السلام یا همه آنان را با آن زیارت کرد. [\(1\)](#))

ص: 23

---

1- شرح من لا یحضره الفقیه، کتاب حج در بیان زیارت جامعه، ص 6366

## تشرف علامه محمد تقی مجلسی خدمت حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

در کتاب شریف بحار الانوار از مرحوم محمد تقی مجلسی (مجلسی اول) نقل شده است در انجام دادن واجبات و سواس بسیاری داشتم و از این کار ناراحت بودم روزی در اصفهان در حال خواب و بیداری بودم که دیدم حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در مسجد جامع اصفهان ایستاده است به ایشان سلام، کردم خواستم پایش را ببوسم نگذاشت ولی دستش را بوسیدم و عرض کرد من در نماز و سواس دارم و همیشه به خواندن نماز قضا مشغول میشوم که نکند نماز قبلی پذیرفته نشده باشد. برای همین فرصتی برای نافله شب نمیماند در این باره از شیخ بهایی چاره جویی، کردم ایشان فرمودند همان ظهر و عصر و مغرب را به عنوان قضا میخوانی نیت نافله شب کن حال وظیفه چیست؟

آن حضرت در پاسخ فرمودند: نماز نافله شب را بخوان و از کاری که تاکنون انجام میدادی (وسواس) دست بردار. (1)

## هدیه صحیفه سجاده از طرف حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

علامه محمد تقی مجلسی رحمه الله میگوید علومی که خدای تعالی به سبب صحیفه سجاده به من عطا فرمود قادر به محاسبه آن نیستم.

علامه محمد تقی مجلسی رحمه الله میگوید

در اوایل بلوغ طالب رضا و خشنودی خدای تعالی بودم در طلب رضای او ساعی بودم و جز به ذکر خدای تعالی آرام نداشتم تا اینکه در خواب و بیداری دیدم که صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در مسجد جامع قدیم اصفهان نزدیک درب تبانی همان جا که اکنون محل تدریس من است

ص: 24

ایستاده است و به صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سلام کردم و خواستم که پایش را ببوسم مرا گرفت و اجازه نداد سپس دست حضرت را بوسیدم و از ایشان درباره مسائلی که برایم پیش آمده بود سؤال کردم آنگاه عرض کردم مولای من نمیتوانم همیشه به خدمتتان برسیم کتابی به من عطا کن تا برای همیشه بر طبق آن عمل کنم

فرمودند: برای تو کتابی به مولانا محمد تاج داده ام. و این طور بود که در خواب او را میشناختم و سپس ایشان فرمودند: برو از او بگیر

از دری که مقابل روی حضرت بود از مسجد خارج شدم و به طرف محله هندوانه فروشها رفتم و چون نزد آن شخص رسیدم و مرا دید گفت: صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تو را فرستاده؟ گفتم بلی

پس از کیسه اش کتابی قدیمی بیرون آورد چون کتاب را باز کردم دانستم که کتاب دعا است. آن را بوسیدم و بر چشم گذاشتم از او جدا شدم و به سوی صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گردیدم. سپس بیدار شدم در حالیکه کتاب را همراه خود ندیدم برای از دست دادن کتاب تضرع و گریه کردم تا اینکه صبح طلوع کرد چون از نماز و تعقیب آن فارغ شدم به ذهنم آمد که مولانا محمد (شیخ بهایی همان شیخ است و تاج نامیدن او به خاطر شهرت او در میان علماء است هنگامی که به مدرسه آمدم، شیخ در جوار مسجد جامع بود. او را مشغول به مقابله صحیفه سجادیه دیدم. خواننده کتاب سید صالح امیر ذوالفقار بود مدتی نشستیم تا از آن فارغ شد. کلام آنها درباره سند صحیح بود لیکن به دلیل اندوهی که داشتم متوجه کلام آنها نبودم و در آن حال گریستم



پس نزد شیخ رفتم و رؤیای خود را برای او بازگو کردم در حالی که برای از دست دادن کتاب میگریستم.

شیخ بهایی گفت بشارت باد تو را به علوم الهی و معارف یقینی و تمامی آنچه که دائماً در طلب آن هستی.

تا این که به دلم خطور کرد که به آن طرف که در خواب رفته بودم، بروم هنگامی که به محله هندوانه فروشها رسیدم مردی صالح را دیدم که اسمش آقا حسن و ملقب به تاج بود به او سلام کردم گفت: فلانی کتب وقفی پیش من است که هر که از طلاب آن را میگیرد به شروط وقف عمل نمیکند حال آنکه تو به آن عمل میکنی بیا این کتابها را ببین و هر وقت به آن ها احتیاج داشتی آنها را بگیر

من هم به کتابخانه او رفتم اولین کتابی که به من داد کتابی بود که در خواب دیده بودم پس شروع به گریه نمودم و گفتم: همین برای من کافی است

به خاطر ندارم که خواب را برای او بازگو کردم یا نه نزد شیخ آمدم و شروع به مقابله کتاب با نسخه شیخ که جد پدرش از نسخه شهید اول نوشته، بود کردم شهید نیز نسخه اش را از نسخه عمیدالرؤسا (در 609 هجری قمری و ابن سکون در 606 هجری قمری نوشته بود و آن را با واسطه یا بدون واسطه با نسخه ابن ادریس مقابله نموده بود. نسخه ای که حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به من داده بود نیز از خط شهید نوشته شده بود و حتی در نسخ خطی که بر حاشیه اش نوشته شده بود با آن توافق داشت.

ص: 26

بعد از آنکه از مقابله نسخه ها فارغ شدم مردم به مقابله نزد من پرداختند و به برکت عطای صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صحیفه سجادیه در همان مناطق خصوصاً اصفهان مانند خورشیدی فروزان به هر خانه ای تابید و اکنون در اصفهان بیشتر مردم صحیفه سجادیه و صحیفه های متعددی در خانه دارند. علومی که خدای تعالی به سبب صحیفه سجادیه به من عطا فرمود قادر به محاسبه آن نیستم و این تفضل خداوند بر ما و مردم است و سپاس خداوند عالمیان است (1)

چون محمدتقی ز فیض ازل \*\*\* شد به دانش سرآمد عالم

بر سپهر کمال همچو مسیح \*\*\* کرد احیای علم و دین از دم

روضه المتقین پر فیضش \*\*\* کرده گلزار علم را خرم

عالم سنت و کتاب که بود \*\*\* متشابه به رأی او محکم

فیض عامش رسد به خلق خدا \*\*\* همچو خورشید در همه عالم (2)

**علامه محمد باقر مجلسی رحمه الله**

**اشاره**

علامه محمد باقر مجلسی رحمه الله در ماه مبارک رمضان 1338 هجری قمری در اصفهان دیده به جهان گشود.

یکی از علمای بزرگ خراسان که از دوستان صمیمی ملا محمدتقی مجلسی بود به زیارت عتبات عالیات مشرف شد. در بازگشت در محلی

ص: 27

---

1- بر ساحل حدیث به نقل از روضة المتقین، ج 14، ص 419-421

2- داستان علامه مجلسی در کتاب قصص العلماء، ص 233، شعیب جوشقانی

توقف نمود هنگام استراحت در خواب دید حضرات معصومین (علیه السلام) از مکانی که نشسته اند به او فرمودند پایین پای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بنشین.

ایشان پس از نشستن مشاهده کردند پدر علامه مجلسی رحمه الله با شیشه گلایی در دست وارد شدند و به ترتیب از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) تا خود آن عالم خراسانی از آن گلاب استعمال کردند پس ملا محمدتقی رفته و نوزاد خویش را آورده و از آن حضرت خواستند که در حق او دعا کنند. معصومین علیهم السلام یک دعا کردند و سپس آن عالم بزرگ خراسانی دعا، کرد وقتی آن عالم از خواب بیدار شد به سوی اصفهان حرکت کرده به خانه آخوند ملا محمدتقی رفت. ملا محمدتقی بعد از تعارفات، شیشه گلایی آورد که عالم خراسانی از آن استعمال کرد، سپس ملا محمدتقی، مولود خویش را به حضور او آورده و چنین گفت: این فرزند امروز متولد شده شما در حق او دعا کنید که خداوند او را از مروجین دین مبین اسلام قرار دهد عالم خراسانی دعا کرد و سپس آن خواب را برای پدر علامه تعریف نمودند (1)

### **دعایی مستجاب در حق فرزند از سوی علامه محمدتقی مجلسی رحمه الله**

از مرحوم علامه محمدتقی مجلسی رحمه الله نقل است که فرمود: در شبی از شبها بعد از نماز و تهجد و گریه و زاری به درگاه قادر متعال خود را به حالتی دیدم که دانستم که هرچه از درگاه احدیت درخواست کنم البته به اجابت مقرون و عنایت خواهد شد و فکر میکردم که چه از خدا

ص: 28

بخواهم امر دنیوی یا اخروی که خدا به من عنایت میکند که ناگاه صدای گریه محمدباقر از گهواره بلند شد من: گفتم: الهی به حق محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) این طفل را مروج دین و ناشر احکام سیدالمرسلین گردان و او را به توفیقات بینهایت خود موفق کن [\(1\)](#)

علامه مجلسی رحمه الله در 3 سالگی درس را آغاز و در 12 سالگی به درجه اجتهاد نائل آمد و تا آخر عمر گهربار خویش جهت خدمت به دین لحظه ای غفلت و سستی نوزید.

### **علامه محمد باقر مجلسی رحمه الله باب الاثمه عليهم السلام**

علامه نوری به نقل از علامه فقیه کامل صاحب جواهر رضوان الله نقل مینماید که یک روز در مجلسی بحث و تدریس فرمود؛ در عالم خواب دیدم در مجلس بزرگی جماعت بسیاری از علماء در آنجا هستند. از دربان آن مجلس اجازه خواستم وارد شدم دیدم جمیع علمای متقدمین و متأخرین حاضرند و در صدر مجلس علامه مجلسی رحمه الله نشسته بود. تعجل الله تعالی فرجه الشریف کردم سؤال کردم که چرا علامه مجلسی رحمه الله مقدم بر همه شده است: گفت علامه مجلسی رحمه الله نزد ائمه هدی عليهم السلام معروف به باب الاثمه می باشد. [\(2\)](#)

### **تشریف علامه مجلسی رحمه الله در راه بازگشت از تبلیغ**

جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج سید مهدی طباطبایی میگوید آقا سید جلال زنجانی که از علماء مشاهیر تهران بودند گاهی به

ص: 29

---

1- کتاب سیره فرزندانگان، ص 223

2- کتاب اثبات ولایت و علم غیب امام (علیه السلام)

مشهد مقدس برای زیارت حضرت رضاء (علیه السلام) مشرف میشدند و در منزل مرحوم آیه الله سید یونس اردبیلی و مرحوم آیه الله فقیه سبزواری به منبر میرفتند و درس اخلاق میدادند و طلاب حوزه علمیه مشهد را نصیحت می فرمودند و من در ایام نوجوانی ایشان را درک کرده بودم و از محضرشان استفاده زیادی میبردم مثلاً یادم هست که روزی در منزل مرحوم سید میرزا حسین سبزواری راجع به تقدیرات و زیاد شدن روزی و گشایش کارها مطالب و راه هایی بیان میفرمودند از جمله این که میفرمود بهترین راه این است که همیشه توسلستان را به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) داشته باشید و خود را خدمتگزار آن حضرت بدانید و برای آن وجود مبارک تبلیغ کنید.

سپس این داستان را از علامه محمد باقر مجلسی رحمه الله در امر تبلیغ نقل فرمود:

علامه مجلسی رحمه الله در سنین نوجوانی که مشغول تحصیل علوم دینی بودند عصرهای پنجشنبه به دهات نزدیک اصفهان میرفتند و شب جمعه مشغول وعظ و تبلیغ میشده و با مردم نماز جماعت میخوانده و سعی مینموده که در مساجد متروک برود تا آن مسجد را رونق بدهد یا به دهاتی می رفت که مسجد نداشت تا به کمک اهالی آن محل مسجدی بنا کند خلاصه اینکه شب جمعه را به منبر میرفت و با جمعیت نماز جماعت میخواند و فردای آن روز یعنی صبح روز جمعه به اصفهان برمیگشت و کم کم مردم او را شناخته بودند که از روی اخلاص و ارادتی که به حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دارد این کارها و فعالیتها را انجام میدهد؛ لذا هر هفته هفته مردم انتظار آمدنش را میکشیدند و از پذیرایی

ایشان افتخار میکردند

در سالی از سالها از دهی برمیکشت در بین راه که می آمد دعای ندبه را از حفظ میخواند و راه می پیمود مرحوم مجلسی رحمه الله مقید بود که فقره ای از دعا را حتماً بخواند و اگر کسی موفق به خواندن تمام دعا نشود این فقره آخرش را حتماً بخواند.

وانظر الينا نظرة رحيمة نستكملُ بها الكرامة عندك.

علتش این بود که این فقره دعا مستند است به اینکه یک نفر زمانی خدمت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسیده و حضرت به او فرمودند: این عبارت از دعای ندبه را حتماً بخوانید و ترک نکنید. خلاصه اینکه مجلسی رحمه الله در بیابان بود و تنها؛ میرسد به این جمله دعای ندبه مجلسی میگوید که ناگهان در فکر رفتم و حزن عجیبی بر دلم نشست با خودم گفتم من کجا و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کجا؟ من چه لیاقتی دارم که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را ببینم تا آن حضرت به من نگاه کند؟

با خود حدیث نفس میکردم میگفتم تو در این بیابان چه توقعی داری؟

این حدیث نفس از یک ماجرای که بین من و پدرم گذشته بود یاد آمد و آن این بود که در کودکی دستم مجروح شده بود. دمل شده بود و چرک و خون داشت میهمانی داشتیم به پدرم گفت چرا دست این بچه را نمیبندید چون هم حشرات روی آن می نشینند و هم اطرافیان که نگاه میکنند حالشان به هم میخورد پس پدرم دستم را با پارچه کرباس بست تا این که دستم متورم شد و از شدت درد طاقتم را از دست داده و

گریه میکردم. پدرم مرا نزد طیب حاذقی که نامش سید یحیی صدرالاطباء بود برد.

خواست پارچه روی دستم را باز کند ولی من ناراحت بودم.

صدر الطباء: گفت چرا ناراحتی؟

گفتم مادرم سفارش کرده است که دستت را مقابل دیگران باز نکن چون اذیت میشوند و حالشان به هم می‌خورد صدرالاطباء: گفت مادر شما خوب گفته اند، نباید چرک و خون را نزد مردم باز کنی و موجب اذیت آنها شوی ولی وقتی که نزد طیب رفتی آن را باز کن تا آن را ببیند او میخواهد تو را معالجه کند تا خوب شوی همین طور که به این قسمت خاطره رسیدم بی اختیار بنا کردم اشک ریختن و گریه نمودن و به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عرض کردم یا بقیه الله شما از تمامی حالات روحی و درونی من باخبر هستید آقا جان همه دردها و بدی ها را دارم و محتاج یک نگاه طبیبانه و پرمهر و محبت شما هستم آقا سید جلال: گفت علامه مجلسی رحمه الله محبت خاصی به فاطمه زهرا علیها السلام داشت و میدانست که ائمه معصومین علیهم السلام ارادت خاصی به مادرشان فاطمه اطهر علیها السلام دارند و همین طور که سرش پایین بود و اشک میریخت متوسل به فاطمه زهرا علیها السلام می شود و در نظرش ظلم هایی که به آن حضرت شده بود مجسم میشود و نگاه صحنه دیوار و درب سوخته میاندازد و اشک میریزد، ناگهان دستی به روی شانه اش گذاشته میشود و با حزن و اشک می فرماید:

مجلسی کجا نگاه میکنی؟

ص: 32

علامه مجلسی رحمه الله بی اختیار روی بر می گردانند میبند حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و بی اختیار خود را به روی دست و پای حضرت میاندازد و با اشک شوق عرض ادب می کند. مطالبی بین علامه مجلسی رحمه الله و آن حضرت ردوبدل میشود از جمله اینکه آن حضرت فرمودند: [به کارت] ادامه بده. یعنی به همان کار و تلاش در امر تبلیغ از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و دفاع از پیکان تشیع ادامه بده که من از خدای تعالی خواستم عمر بابرکت نصیبت کند و فلان حدیث که نسبت به آن تردید داری و دنبالش میگردی در فلان کتاب مراجعه کن آن را خواهی یافت.

سید مهدی طباطبایی میگوید من از آن حدیث یادم نیست و مرحوم سید جلال زنجانی هم از این حدیث یادش نبود خلاصه اینکه علامه مجلسی رحمه الله به آدرسی که داده شده بود مراجعه میکند و این حدیث را با سند پیدا کرده و با طیب خاطر در کتاب ارزشمند بحار الانوار نقل میکند (1)

### **به دستور صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آمدم برای گرفتن کتاب ها**

علامه محمد باقر مجلسی رحمه الله هنگامی که روایات و احادیث را جمع آوری مینمود و کتاب بحار الانوار تعریف میکرد مشقات زیادی را متحمل میشد تا جایی که افرادی را با مخارج خودش به اطراف واکتاف ایران و خارج از ایران می فرستاد تا این احادیث و کتب قدیم را جمع آوری کنند و سپس آنها را موضوع بندی کرده و به صورت خاصی در کتاب بحار الانوار می نوشته است حتی بعضی از روی بخلی که داشتند از دادن احادیث و اخبار به علامه مجلسی رحمه الله خودداری میکردند از جمله اینکه شخصی مقداری از

ص: 33



احادیث و روایات را که در اختیار داشته داخل یک دیگ مسی کرده بود و زیر خاک پنهان نموده و به کسی نمی داد علامه مجلسی رحمه الله شبی خدمت حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه- میرسد و آن حضرت به او می فرماید:

فلانی در فلان ده مقداری از کتابهایی که احادیث ما در آنجا ثبت است داخل دیگ مسی گذاشته و زیر خاک پنهان نموده است نزد او برو و از جانب من به او بگو تا به تو تحویل دهد علامه مجلسی رحمه الله فردای آن شب بدون هیچ معطلی خود را به آن ده میرساند و نزد آن شخص می رود و احادیث را طلب می. کند آن شخص باور نمی کرد علامه مجلسی رحمه الله یا شخص دیگری از این کار او باخبر باشند چون هیچکس را از این کار خود مطلع نکرده بود پس به علامه مجلسی رحمه الله میگوید: تا نگویی چگونه مطلع و باخبر شده ای من آنها را به تو تحویل نمی دهم

علامه مجلسی رحمه الله میفرماید من به اینجا نیامدم مگر به دستور صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آن حضرت از عمل توبه من خبر دادند و کیفیت ملاقات و تشریفشان را برای او نقل می. کنند

آن شخص گریه بسیاری کرده میگوید

من این کار را نکردم مگر به جهت اینکه آنها را از دشمنان اهل بیت علیهم السلام حفظ کنم. علامه مجلسی رحمه الله به او میگوید پس چرا اولین باری که به تو مراجعه کردم از دادن آنها خودداری کردی؟

گفت: بله من هم خوابی دیده بودم که آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به من

فرموده بودند فرستاده ای را میفرستم تمامی این روایات و احادیث را به او تحویل بده؛ لذا من منتظر فرستاده امام زمانم بودم تا اینکه با حکایتی که شما از آن حضرت نقل کردید خاطر من جمع شد که آن فرستاده شماست. سپس به همراه علامه مجلسی رحمه الله به مکان مخصوصی رفت و کلنگی را که به همراه داشت به زمین زد و دیگر بسیار بزرگی را خارج نمود که داخل آن پر از روایات خطی بسیار قدیمی بود درست همان طور که حضرت به من فرموده بودند. (1)

### اثر کلام علامه مجلسی رحمه الله

یک شب اراذل و اوباش محلی از محله های اصفهان دوره یک حاجی مؤمنی را گرفتند و گفتند امشب میخواهیم به خانه تو بیاییم و مرتب برایش مزاحمت ایجاد میگردند و ناچار شد به مرحوم مجلسی رحمه الله پناه برد و گرفتاری اش را ذکر کند. مجلسی رحمه الله گفت: بگو بیايند من هم می آیم. مرحوم مجلسی رحمه الله قبل از اینکه اراذل و اوباش بیایند وارد مجلس شد سپس آنها آمدند و چون مجلسی رحمه الله را دیدند گفتند: با بودن او نمیشود کاری کرد و پیش خود فکر کردند حرفی بزنند که مجلسی قهر کند و برود تا آزاد باشند یکی از آنها گفت آقا مگر راه و روش ما اراذل چه عیبی دارد که به ما اعتراض میکنند؟

مرحوم مجلسی رحمه الله گفت: چه خوبی در شما هست که شما را مدح کنیم؟

گفتند: هزاران عیب داریم اما نمک شناسیم. اگر نمک کسی را خوردیم تا آخر عمر به او خیانت نمیکنیم.

ص: 35

---

1- عنایات حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ص 484 به نقل از کتاب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و علامه مجلسی رحمه الله

مجلسی رحمه الله گفت این صفت خوبی است ولی آن را در شما نمیبینم یکی اراذل: گفت در این اصفهان از هرکسی میخواهید پرسید ما نمک هرکسی را خوردیم به او بد نکردیم

مجلسی رحمه الله گفت: من خودم گواهی می دهم که شما نمک به حرام .هستید با خدای خود چه میکنید؟ آی نمک خدا خورها و نمکدان شکن ها این همه نعمت خدا را خوردید و این همه سرکشی کردید و از هوای نفس پیروی کردید.

این کلمه در آنها اثر کرد و سربه زیر انداختند و سخنی نگفتند. اراذل اول وقت به منزل مجلسی رحمه الله رفتند و گفتند: ما را توبه بده و توبه کردند. (1)

### **برآورده شدن حاجات با توسل به قبر علامه مجلسی رحمه الله**

مرحوم حضرت آیه الله آقای سید محمدباقر ابطحی رحمه الله میگوید: در قم تصمیم گرفتم منابع کتاب بحار الانوار علامه مجلسی رحمه الله یعنی کتاب الامامة و تبصرة اعلام الدین دیلمی را پیدا کنم هر چه جست و جو کردم و از علمای بزرگ پرسیدم .نیافتم به اصفهان آمده و بر مزار علامه مجلسی رحمه الله حاضر شدم و سوره تبارک و الرحمن را خوانده و هدیه به روح مرحوم مجلسی اول و مجلسی دوم نمودم و از آن دو بزرگوار خواستم که از خدا بخواهند تا آن کتاب پیدا شود

دو ساعت بعد عالمی را دیدم به من :گفتند چند روز قبل جهت خرید از خانه خارج شدم به شخصی برخورد کردم به من گفت: آقا یک

ص: 36

بسته بندی در گنجه خانه ما هست که داخل آن پر از قرآن و کتابهای پاره است میترسم از بین برود لطفاً شما بیاید و صفحات قرآنی را جدا کنید. من با اینکه عجل الله تعالی فرجه الشریفله داشتم ولی چون اسم قرآن را آورد به خانه ایشان رفتم، وقتی بسته بندی را باز کردم به اولین چیزی که برخورد کردم کتاب الامامة و تبصرة به خط مرحوم مجلسی رحمه الله بود. آقای ابطحی رحمه الله گویند: تا این خبر را شنیدم گریه کردم و جریان امر را توضیح دادم (1)

### شفاعت علامه محمد باقر مجلسی رحمه الله خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)

علاقه و ارادتم به علامه مجلسی رحمه الله هزار برابر شد.

مرحوم آیه الله آقای حاج شیخ علی نمازی شاهرودی میگوید: در روز جمعه 19 شهر رجب سنه 1391 در شهر قم محضر مرحوم آیه الله العظمی نجفی مرعشی رحمه الله رسیدم از ایشان سؤال کردم حضرت عالی درباره علامه مجلسی رحمه الله مطالب تازه ای دارید؟

فرمودند: حدود 18 سال قبل شبی مقید شدم که تمام آداب و ادعیه در وقت خواب را انجام دهم تا آنکه در عالم خواب مطالبی برای من روشن شود. چون خوابیدم قیامت کبری را مشاهده نمودم. در جانبی حضرت خاتم الانبیا (صلی الله علیه و آله وسلم) نشسته و حساب علماء کرام با ایشان است. علمای قرن اول در صف اول علمای قرن دوم صف دوم و قرن سوم صف و همچنین تا این قرن حاضر دیدم خدمت حضرت دو شیخ بزرگوار در دو طرف حضرت نشسته و مقابل ایشان کتابهایی است. نزدیکی از آن دو کتاب بیشتری بود که کار این دو بزرگوار شفاعت مجرمین از علماء است چون نوبت به قرن چهاردهم رسید سؤال کردم این دو نفر کیستند؟

ص: 37

برای آنکه اگر محتاج شدم اسم آنان را بخوانم و از آنها کمک بخوام. به من گفته شد یکی جناب شیخ مفید رحمه الله و دیگری که نزد او کتاب های بیشتر است علامه مجلسی رحمه الله میباشد که خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) شفاعت مینماید من از خواب بیدار شدم و بر اثر این خواب علاقه و ارادت من به علامه مجلسی رحمه الله هزار برابر شده است چون یقین به صدق خواب خود دارم.

(1)

### وفات علامه محمد باقر مجلسی رحمه الله

سرانجام علامه محمد باقر مجلسی رحمه الله پس از عمری بابرکت و کوشش و تلاش در حفظ و نگهداری فرهنگ غنی و پر بار پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و اهل بیتش علیهم السلام در شب 27 ماه مبارک رمضان سال 1110 در سن سالگی روح پرفتوحش به اهل بیت عصمت و طهارت پیوست و در جوار سپرده ماده تاریخ او پدر بزرگوارش کنار مسجد جامع به خاک چنین گفتند

ماه رمضان چوبیست و هفتش کم شد \*\*\* تاریخ وفات باقر اعلم شد

### گوشه ای از وصیت نامه علامه محمد باقر مجلسی رحمه الله

دوست دارم که اگر در شهر اصفهان مردم مرا در جوار پدرم (خدا روحش را پاکیزه کند دفن کنند اگر مکان مناسب میسر شود اگرچه به برداشتن صفحه ای باشد که به خارج باز است تا حدی که احداث قبر و لحدی در آن ممکن شود که ضرر به آنچه زیر آن است نرساند. یا در میان گنبد مقابل

ص: 38

قبر پدرم در محلی که آقا جلال معروف برادر دینی من (خدا او را توفیق دهد) میداند و اگر خرید مکانی نزدیک مدفن پدرم روانش پاکیزه (باد ممکن شود مانند خانه حکیم که سید حسینعلی پسر خواهرم آن را گرفته است زیرا امکان دارد از بالای رهگذر عمومی یا زیر آن راهی به یکدیگر احداث کند در این صورت باید خرید و وقف نمایند برای مدفن من و مدفن فرزندانم و خویشانم (1)

### جسمی سالم پس از قرن ها

روز پنجشنبه سوم ماه صفر در سال 1410 هجری قمری وقتی میخواستند ضریح بر مزار علامه مجلسی رحمه الله بگذارند مجبور شدند قطعه سنگی را کنار بزنند در آن هنگام حفره ای به سمت قبر باز شد وقتی با چراغ قوه نگاه کردند دیدند با گذشت حدود 300 سال از رحلت علامه مجلسی رحمه الله انگشت شصت پای علامه رحمه الله و کفن آن بزرگوار در سلامت کامل مشاهده شد. (2)

جناب مجتهد جامع الشرائط دین \*\*\* که محکم از نسق اوست شرع را بنیاد

صلای پیرویش خضر راه گمشدگان \*\*\* زلال موعظه اش روح بخش اهل سواد

رسیده است از آیا به آن حدیقه علم \*\*\* وز دوست تا به ابد در تصرف اولاد

به دور معدلتش نسخه های حکمت را \*\*\* برای بازی طفلان کنند کاغذ باد

ص: 39

---

1- از کتاب زندگی نامه علامه مجلسی، ص 244 مرحوم سید مصلح الدین مهدوی

2- یادنامه علامه مجلسی رحمه الله

شفا کتاب حیات القلوب او باشد \*\*\* که هر که را که مریض جهل بود صحت داد

چو از مباحثه فارغ شود ز بس باشد \*\*\* مدارا و به نماز و تلاوت و او را داد

به جای نامه نویسد صحیفه و مصباح \*\*\* همیشه کاتب اعمال او قوی بنیاد

عبادتش بود از پرتو کرم مقبول \*\*\* که دست بسته روا نیست طاعت از زهاد

ز فیض گوهر تصنیف بحر علم تو داد \*\*\* رواج مذهب حق در قلمرو ایجاد

نصیر ملت و دین در نظام شرع نکرد \*\*\* چنان به تیغ که کلک تو داد مردی داد

منورا بست ز رای تو کشور اسلام \*\*\* چو خانه ای که بر او عکس آفتاب افتاد

از آن خلل پذیرد اساس دین که بود \*\*\* نوشته تو به بازوی شرع حرز جواد (علیه السلام)

ز نور رای تو باشد چراغ دین روشن \*\*\* ز دانش تو بود خاندان علم آباد

زمانه گوهر قدر تو را ز یکتایی \*\*\* کشیده است به سلک اباذر و مقداد

### تألیفات علامه محمد باقر مجلسی

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: هر مؤمنی که از دنیا برود و ورقی از او باقی بماند که دانشی بر آن نوشته باشد همان ورق، روز قیامت بین او و دوزخ پرده ای میشود و خداوند تبارک و تعالی به اندازه هر حرفی که در آن نوشته شده، است شهری به او دهد هفت برابر دنیا.

آنگاه فرمودند: هیچ مؤمنی نیست که ساعتی را نزد عالمی بنشیند، مگر آنکه پروردگارش ندا کند نزد دوستم، نشستنی به عزت و جلالم سوگند تو را با او ساکن بهشت کنم و باک ندارم

یکی از چهره های درخشان و ستاره ای از ستارگان آسمان علوم شیعه و خدمتگزاری واقعی در آستان ائمه اطهار علیهم السلام، علامه محمدباقر مجلسی رحمه الله می باشد. ایشان میگوید:

چون در احادیث و اخبار دقت کردم و درباره آنها به بحث و تحقیق پرداختم اخبار آل پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را چون کشتی نجات یافتم؛ مملو از ذخایر نیک بختی ها و چون آسمانی دیدم مزین به ستارگان فروزان نجات دهنده از ظلمت جهل و نادانیها. راههای علوم و اخبار اهل بیت علیهم السلام روشن

من در طی طریق آن به گلزارهای پرگل و بوستان های سرسبز و خرمی رسیدم که با شکوفه های هر علم و میوه های هر حکمتی زینت یافته بود به هیچ حکمتی برنخوردم جز اینکه گزیده آن را در اخبار اهل بیت پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) دیدم و به حقیقتی دست نیافتم مگر آنکه اصل آن را در آنجا یافتم. (1)

علامه مجلسی به غیر از دائرة المعارف بزرگ تشیع، بحار الانوار، کتب دیگری را نیز نگاشته اند.

1. مرأة العقول في شرح اخبار الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) (در شرح اصول کافی)؛

2. ملاذ الاخبار في شرح التهذيب؛

ص: 41



3. شرح اربعين؛

4. الوجيز في الرجال؛

5. الفوائد الطريفة في شرح الصحيفة السجادية؛

6. رسالة الاوزان؛

7. المسائل الهندية

8. رساله اعتقادات (750) سطر است و در يك شب نگاشته شده است

9. رسالة في شكوك؛

10. رسالة في الاذان؛

11 الحواشي المتفرقة على الكتب الاربعة وغيرها؛

12. رسالة في بعض الادعية الساقطة عن الصحيفة الكاملة.

همچنين تألیفات فارسی علامه مجلسی عبارتند از:

1 حق اليقين؛

2 عين الحياة

3. حلية المتقين؛

4 حيوة القلوب؛

5. مشکوة الانوار

6. جلاء العيون؛

7. زاد المعاد

8. تحفة الزائر؛

ص: 42

9. مقباس المصايح

10 ربيع الاسايح

11. رساله در شكوك؛

12 رساله ديات؛

13. رساله در اوقات؛

14 ترجمه دعای كمیل؛

15. رساله در بهشت و دوزخ؛

16. رساله اختيارات ايام؛

17. ترجمه عهدنامه اميرالمؤمنين (عليه السلام) به مالک اشتر؛

18. مشکوة الانوار در آداب قرائت قرآن و دعا و شروط آن دو؛

19. شرح دعای جوشن کبير؛

20. رساله در رجعت؛

21. رساله در آداب نماز؛

22 رساله در زکوة؛

23 رساله مناسك الحج؛

24. رساله اخرى؛

25. مفاتيح الغيب في الاستخاره؛

26. رساله في مال الناصب؛

27. رساله في الكفارات؛

28. رساله في آداب الرمي؛

29. رسالة في صلاة الليل؛
30. رسالة السابقون السابقون؛
31. رسالة في الفرق بين الصفات الذاتية والفعلية؛
32. رسالة مختصرة في التعقيب؛
33. رسالة في البدء؛
34. رسالة في الجبر والتقويض؛
35. رسالة في النكاح
36. رسالة في صواعق اليهود في الجزية و احكام الدية؛
37. رسالة في السهام؛
38. رسالة في زيارة اهل القبور؛
39. مناجات نامه؛
40. انشائات
41. ترجمه فرحة الغرى ابن طاووس؛
42. ترجمه توحيد مفضل؛
43. ترجمه توحيد الرضا الا ؛
44. ترجمه حديث رجاء بن الضحاک
45. ترجمه زیارت جامعه؛
46. ترجمه دعای مباحله؛
47. ترجمه دعای سمات؛
48. ترجمه دعای جوشن صغیر؛

49. ترجمه حدیث عبدالله بن جندب؛

50. ترجمه قصیده دعبل؛

51. ترجمه الصلاة؛

52. اجوبة المسائل المتفرقة؛

53. ترجمه حدیث ستة اشياء ليس للصباذ فيها صنع المعرفة و الجهل و الرضا والغضب و النوم و البقطة. (1)

ص: 45

---

1- در کتاب زندگی نامه علامه مجلسی، ج 2، ص 223، 167 جلد کتاب از تألیفات ایشان نام برده شده است.



هرکه با پاک دلان صبح و مسایی دارد \*\*\* دلش از پرتو اسرار ضیایی دارد

. آية الله حاج سيد محمدحسن ميرجهانی .

آية الله حاج شيخ حسن صافی

• آية الله حاج سيدضياءالدين علامه

• آية الله حاج سيداسماعيل هاشمی طالخونچه ای .

آية الله حاج ميرسيدحسن مدرس هاشمی .

آية الله حاج شيخ احمد زاهد نجفی

• آية الله حاج شيخ مجتبی بهشتی

ص: 47

عن رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)

قالوا الحواريون بعيسى بن مريم: يَا رُوحَ اللَّهِ فَمَنْ نُجَالِسُ إِذَا قَالَ مَنْ يُدَكِّرُكُمْ اللَّهُ رُؤْيَتَهُ وَيَزِيدُ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقَهُ وَيُرَغِّبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند:

حواریون به حضرت عیسی (علیه السلام) گفتند: ای روح الله، با چه کسی همنشینی کنیم؟

فرمود با کسی که سه خصلت داشته باشد

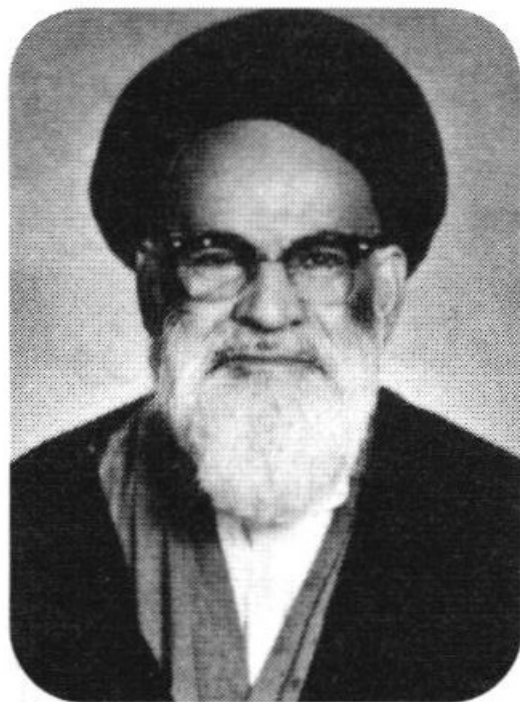
1. کسی که دیدارش شما را به یاد خدا بیندازد

2. گفتارش بر علم و دانش شما بیفزاید.

3. کردارش رغبت شما را به قیامت زیاد گرداند

تحف العقول، ص 44

ص: 48



آية الله ميرجهانی رحمه الله

مرحوم آية الله سيد محمد حسن ميرجهانی رحمه الله در روز دوشنبه 22 ذيقعدة در سال 1319 قمری در روستای محمدآباد جرقويه در خانواده ای مذهبی دیده به

جهان گشود. ایشان در هفت سالگی تمام قرآن را به انضمام کتب فارسی فراگرفت و سپس به یادگیری مقدمات عربی از صرف و نحو در روستای خود برای ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه اصفهان و در مدرسه صدر بازار ساکن شد و از محضر اساتید بزرگ بهره ها برد. آنگاه در سال 1346 به سوی نجف اشرف هجرت نمود و در جوار امیرالمؤمنین (علیه السلام) رحل اقامت انداخت و از اساتید بزرگ در درس خارج فقه و اصول آية الله شيخ عبدالله مامقانی رحمه الله، آية الله آقا ضياء عراقی رحمه الله، آية الله حاج آقا حسين قمی رحمه الله، آية الله سيد ابوالحسن اصفهانی رحمه الله، آية الله سيد محسن حکيم رحمه الله و آية الله سيد عبدالهادی شیرازی رحمه الله بهره کامل را برد. مرحوم آية الله ميرجهانی رحمه الله قریب به 20 سال در نجف اشرف اقامت نمود و در سال 1365 هجری قمری به اصفهان بازگشت و به تدریس و تبلیغ دین پرداخت و بعد از مدتی از اصفهان به سوی مشهد الرضا (علیه السلام) حرکت نمود حدود 7 سال در جوار حضرت رضا (علیه السلام) بود و بعد از آن مدتی در تهران و برای همیشه در اصفهان ساکن شد. از ایشان 20 اثر قلمی ارزشمند باقی مانده است که یکی از آن نواب الدهور در چهار جلد در علائم ظهور می باشد.

دوم کتاب اشعار ایشان با تخلص حیران میباشد و دیگری اشعار عربی ایشان با نام الدرر المکنونه میباشد



بیشترین حالت معنوی ایشان بعد از نماز و ذکر و دعا و تهجد و قرائت قرآن دل دادن به محبوب دلها حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بود که با سوز و عشقی خاص از حضرتش یاد میکرد و گاهی میگفت

هرچند پیر و خسته دل و ناتوان شدم \*\*\* هر گه که یاد روی تو کردم جوان شدم

آیه الله میرجهانی پس از عمری بابرکت و تلاش بی وقفه در راه معارف دین از تألیف و تبلیغ در شب بیستم جمادی الثانی 1413 مصادف با سال 1371 دیده از جهان فرویست و پیکر مطهر او با تشییع با عظمت در جوار علامه مجلسی رحمه الله به خاک سپرده شد.

### **تشریح آیه الله میرجهانی رحمه الله در سرداب مقدس**

هر نظری که بگذرد جلوه رویش از نظر \*\*\* بار دگر نکوترش بینم از آنچه دیده ام

مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد شریف راضی میگوید از مرحوم آیه الله سید حسن میرجهانی شنیدم که می فرمود در زمان زعامت و مرجعیت آیه الله العظمی حاج سید ابوالحسن اصفهانی رحمه الله که به این جانب بسیار لطف و محبت داشت.

مرحوم سید ابوالحسن مأموریتی به اینجانب داد که به سامرا بروم و پولی از سوی ایشان میان طلاب و خدمتگزاران حرم امام گرانقدر حضرت هادی (علیه السلام) و حضرت عسگری (علیه السلام) تقسیم نمایم من هم به شهر سامرا رفتم و پول را تقسیم نمودم به همین جهت بسیار مورد احترام آنها به ویژه مدیرکل و کلیددار حرم قرار گرفتم از او خواستم که به من اجازه

دهد شب هایی که در آن شهر هستم در حرم شریف به صبح آورم و در کنار قبر آن دو امام معصوم علیهم السلام شب زنده داری و عبادت و رازونیاز کنم و توسل و تضرع نمایم

صبح روز دهم و پیش از سپیده دم جمعه بود که در حرم را گشودند و من با شور و شوق بسیار به سرداب مقدس تشریف یافتم. آن روزها هنوز برق نیامده بود، با این وصف هنگامی که از پله ها سرازیر شدم دیدم فضای سرداب مقدس روشن است و در آن روشنایی که به روشنایی مهتاب شباهت بسیاری داشت سید گران قدری در آنجا به عبادت و ذکر خدا مشغول است.

از برابر او عبور کردم و نقطه ای مخصوص به زیارت سالارم حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مشغول شدم و پس از آن کمی جلوتر از آن بزرگوار نماز زیارت را شروع کردم پس از نماز به خواندن دعای ندبه پرداختم و با زمزمه دعا را تا این فراز خواندم که میفرماید: (وعرجت بروحه الی سمائك). ناگهان دیدم که آن سید بزرگوار که تاکنون نه من با او حرف زده بودم و نه او با من: فرمود این جمله از ما نرسیده است. صحیح آن این است و عرجت به الی سمائك).

وقتی به او توجه کردم فرمود چرا شما رعایت وظیفه را نمیکنید و جلوتر از امام نماز میخوانید؟ شگفتا که من از هر دو نشانه آیت بزرگ غفلت کردم و بدون آنکه به آنها دقت کنم به ادامه دعا پرداختم. دعای ندبه به پایان رسید به نماز ایستادم در میان نماز و در حالت سجده به ناگاه

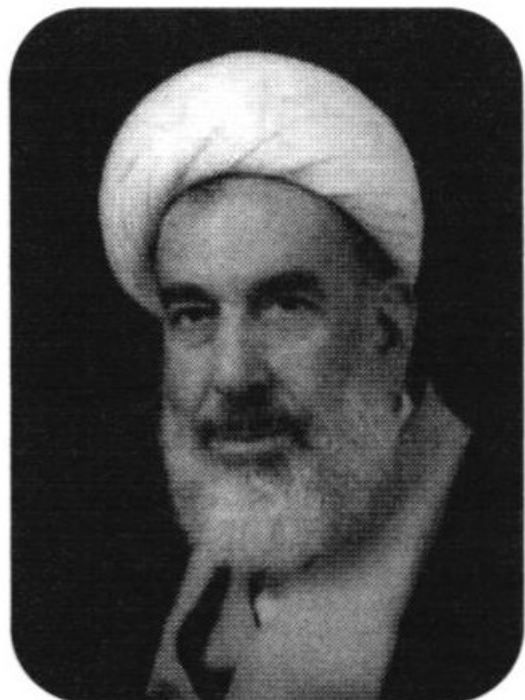
متوجه شدم که آن بزرگوار کیست همو که فرمود: این جمله از ما نرسیده است و فرمود چرا رعایت وظیفه نمیکنید؟ اضطراب سراسر وجودم را گرفت سر از سجده برداشتم تا دامن پر برکتش را بگیرم و از او عذرخواهی کنم اما دریغاً که وقتی سر برداشتم دیدم سرداب مقدس تاریک است و هیچ کس هم در آنجا نیست دریافتم که به چه دولتی رسیدم اما به رایگان آن را از دست دادم (1)

باید که دمی غافل از آن شاه نباشی \*\*\* شاید که نظر افکند آگاه نباشی

ص: 52

---

1- کرامت صالحین، ص 113 گنجینه دانشمندان، ج 2، ص 410.



آیه الله آقای حاج شیخ حسن صافی اصفهانی رحمه الله در سال 1298 هجری شمسی در اصفهان از پدر و مادری شایسته به دنیا آمد

بعد از دوران طفولیت تحصیلات ابتدایی و متوسطه را گذراند و در سال 1316 وارد حوزه علمیه اصفهان شد سطح مقدمات را حدود دو سال در اصفهان فراگرفت و حدود 4 سال در قم به تحصیل سطح عالی پرداخت و از علمای بزرگ بهره وافر برد.

آنگاه در سال 1322 برای تکمیل علوم حوزوی عازم حوزه علمیه نجف اشرف کنار مرقد مطهر حضرت علی بن ابی طالب علیهما السلام شد و محضر بزرگان نجف را درک نمود و عمدتاً خدمت آیه الله العظمی حاج ابوالقاسم خوئی رحمه الله را درک و بهره فراوان از ایشان برد و هم زمان با استفاده از مباحث آیات عظام تدریس خارج فقه و اصول را شروع نمود.

در سن حدود 35 سالگی به درجه اجتهاد نائل گردید.

آیه الله صافی رحمه الله در سال 1350 پس از 28 سال اقامت در نجف اشرف بنا به دعوت عده ای از علماء و تقاضای مردم شریف اصفهان به اصفهان مراجعه نمود و در حوزه علمیه اصفهان به تدریس کفایة الاصول فلسفه و حکمت و اقتصاد استدلالی و رجال و تفسیر قرآن و خارج فقه و اصول و تهذیب و تربیت نفوس پرداخت

چهره آن عالم عامل انسان را به یاد خدا می انداخت از مصادیق این فرمایش علی (علیه السلام) بود (نظر الی العالم عباده) نگاه به چهره عالم عبادت است.

نیست از بهر آسمان ازل \*\*\* نردبان پایه به ز علم و عمل

علم باشد دلیل نعمت و ناز \*\*\* خنک آن را که علم شد دمساز

علم دین بام گلشن جان است \*\*\* نردبان عقل و حسن انسان است

کار بی، علم بار و بر ندهد \*\*\* تخم بیمغز پس ثمر ندهد

علم حق از درون اهل صواب \*\*\* هست چون برکهای درافشان است

حیات و ارزش انسان به علم است و ارزش علم و دانش به عمل و ارزش و اهمیت عمل به اخلاص همانگونه که آب مایه حیات پدیده هاست و عامل شادابی آنها اخلاص نیز موجب حیات و ارزش اعمال و پشتوانه ای برای بقا و دوام آن است از علی (علیه السلام) که فرمود: طوبی لمن اخلاص الله العباده و الدعاء (خوشا به حال کسی که عبادت و دعای خویش را خالصانه انجام دهد).

عبادت به اخلاص نیت نکوست \*\*\* وگرنه چه آید ز بی مغز پوست

بارزترین خصوصیت ایشان اخلاص در عمل بود که او را به همه خوبیها رساند. از سفارشات علی (علیه السلام) به فرزندش امام حسین (علیه السلام) است که فرمود: طوبی لمن أخلص الله عمله وعلمه، وحبّه وبغضه، وأخذّه وترکّه، وکلامه وصدّقه، وفعله وقوله (1) پس خوشا به حال کسی که علم و عمل و دوستی و کینه گرفتن

ص: 54

و رها کردن و گفتار و خاموشی و کردار و گفتارشان را برای خدا خالص و پاک ساخت.

چیست اخلاص دل از خود کردن \*\*\* کار خود را به خدا افکندن

نقد دل از همه خالص کردن \*\*\* روی چون ضربه خالص آوردن

دل به اسباب جهان نا دادن \*\*\* دیده بر حور جنان ننهادن

\*\*\*\*

سفارشش همه تقوا مجاهدت ایمان \*\*\* عمل به عترت و قرآن بود وصایت صافی

ایمان و تقوا و ورع در همه امور و علم همراه حلم زینت او بود. عشق و محبت به پروردگار و خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) خصوصاً امیر مؤمنان علی (علیه السلام) و حضرت ابا عبد الله (علیه السلام) و مولانا صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با یاد و ذکرشان حالت وجد خاصی در چهره اش ظاهر میشد و توفیق تشریف زیارت حضرت رضا (علیه السلام) در مناسبت های، خاص مانند زیارت رجبیه در ایام سال را دارا بود. اهمیت به عبادت مثل نماز و نوافل خصوصاً نماز شب و محاسن اخلاق و ادب و تواضع و فروتنی و تزکیه نفس و معاشرت با اقشار مختلف جامعه داشت.

آگاهی به تمام ابواب مختلف فقه مخصوصاً در مسائل و احکام حج و اضافه بر لذت از مناسک حج در خدمت به حاجیان کوشا بود.

ص: 55

در حدیثی از نبی اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم)، این گونه برای بهره مندی از ماه رجب سفارش شده است

عن التي هم ان الله تعالى نصب في السماعات مك بقال له الراج فاذا دخل شهر رجب بنيادي ذلك الملك كل ليلة الى الصباح طوع للذاكرين طرب للظا تعانى بعد الله تعال انا جلس فن جالتي و تطبيع بين اطاعتي وغافر من التغرلي الله بين شيدى والعبد عبدى والرحمة رحمتى قمن دعان فى هذا الشهر احبته ومن سالتى دستخط اعطيته ومن التهدانى هر تن و محلف الي الله صافى ذا الشهر ميس لگتى و من عمارتى مو انا وصل الى

به درستی که خداوند تعالی در آسمان هفتم ملکی قرار داده که نام او، داعی می باشد. هنگامی که ماه رجب فرامی رسد این ملک هر شب تا صبح ندا میدهد خوشا به حال ذکرگویندگان و خوشا به حال اطاعت کنندگان.

پس خداوند تعالی می فرماید من همنشین کسی هستم که همنشین من است و مطیع کسی که اطاعت مرا میکند و بخشنده کسی هستم که از من طلب عفو و بخشش کند ماه رجب ماه من و بنده، بنده من و رحمت، رحمت من هرکس مرا در ماه رجب بخواند، او را جواب میدهم و کسی که از من سؤال کند به او عطا میکنم و کسی که از من طلب هدایت کند، او را هدایت میکنم این ماه ریسمانی است بین من و بندگانم، پس

ص: 56

کسی که به من اعتصام اعتماد و توکل پیدا کند به من وصل میشود

آری مسیر بندگی و سیروسلوک حقیقی او با پیمودن راه و رسم اهل بیت (علیه السلام) و سیره عملی آنان بود.

سالک راه حق بیا نور هدی ز ما طلب \*\*\* نور هدایت از در عترت مصطفی طلب

خسته درد را بگو هرزه مگرد کوبه کو \*\*\* از در مادوا بجواز دم ما شفا طلب

هست سفینه نجات عترت و ناخدا خدا \*\*\* دست در این سفینه زن دامن ناخدا طلب

### **دلباخته جمال حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)**

#### **اشاره**

عشقت نه سرسری است که از سر به در شود \*\*\* مهتر نه عارضی است که جای دگر شود

عشق تو در وجودم و مهر تو در دلم \*\*\* با شیر اندرون شد و با جان به در شود

آنچه از وصیت نامه معنوی این مرد الهی باقیمانده توصیه هایی است برای توجه به حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که ما در اینجا ذکر میکنیم تا شیفتگان حضرتش بیشتر از او بهره مند شوند

خداوندا تو را شاهد میگیرم که زندگی را با نام تو و اولیای گرامی تو شروع کردم و عمری میل من این بود که در راه تو و برای تو و به سوی تو قدم بردارم تو را شاهد میگیرم که وجودم از عشق و محبت به تو و اولیاء تو پایدار است قلب من به یاد اربابم و صاحب اختیارم حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زنده است و به محبتش پاینده و به ولایتش مباحات میکنم و دلباخته جمال زیبای آسمانی حضرتش میباشم.



ای خوشا آنان که در فراق حضرتش سوختند و در انتظار وصالش آتش گرفتند و در خواب و خیالش خاموش شدند.

سلام خداوند متعال و سلام ملائکه مقربین بر پویندگان راه عشق و محبت به خدا و اولیای خدا از اولین و آخرین درود بی پایان بر آنها باد.

ای فرزندان عزیزم بدانید که حضرت بقیه الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این ناموس دهر و واسطه خالق و خلق عزیزترین عزیزی است که باید یادش را در دل ها زنده کنید و محبتش را در قلبتان افزون کنید اعمال و رفتارتان باید به گونه ای باشد که حضرتش را شاد کند مبادا کاری کنید که خدایی ناکرده قلب نازینش از شما دلگیر شود آنگاه است که خدا را به غضب آورده اید. همچنین سفارش میکنم شما را که علما و طلاب محترم را اکرام کنید زیرا اینها سربازان امام زمان (علیه السلام) هستند و اکرام به آنها اکرام امام زمان (علیه السلام) است ای مبلغین عزیز دین مبین وای گویندگان محترم و مداحان گران قدر عصمت و طهارت علیهم السلام و ای صاحبان قلم و نویسندگان گرامی به همه شما سفارش میکنم که از حضرت ولی عصر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) غافل نشوید. سعی کنید روابط خود را با، حضرت دوستانه و عاشقانه کنید و نامش را زنده. کنید عظمتش را بگویید لطف و کرمش را جلال و بزرگی اش را گوشزد مردم کنید و دل های مردم را به سوی او سوق دهید محبت حضرتش را در قلب های مردم بکارید خودتان با حضرت رفیق شوید و مردم را به رفاقت با حضرت دعوت کنید اگر این نام مبارک در محیط زندگی مردم آمیخته شود به تبع گناه از زندگی مردم برداشته می شود و جای خود را به اعمال صالحه و نیکوکاری و هموعان خود میدهد شاید که بدین وسیله زمینه ساز ظهور موفور السرور حضرتش باشید.

پروردگارا جز تو کسی عالم به اسرار نیست، تو را شاهد میگیرم که دلم میخواست در زندگی رفتار من با مردم به خصوص با طلاب عزیز و علمای اعلام دامت برکاتهم و جز با رضای تو و خشنودی دل نازنین ولی تو (علیه السلام) شائبه دیگری در کار نباشد.

سعی من بر این بود که آنچه را که موجب خوشایند دل محبوب است انجام دهم مجالس درس و بحث و موعظه و کرسی درس و ایاب و ذهاب همه و همه صورتی در زیر داشت غیر از آنچه که همه به ظاهر میدیدند و آن این بود که دلم میخواست سرسپردگی خالصانه ای داشته باشم به درگاه والامقام آستان مقدس حضرت بقية الله الاعظم - روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداه و به این سرسپردگی من مباحثات میکنم و در واقع دلم میخواست سگ سرگردان آستان مقدسش باشم و در پی جلب رضایت صاحبم ای جان عالمیان به فدای یک لایح موی این صاحب عزیز و مهربان - سلام الله علیه و آباءه الطاهرين-.

حدیث عشق تو گفتند و دیده پر خون شد \*\*\* ندانم آنکه تو را دید حال او چون است

### **تشریح به محضر حضرت صاحب العصر والزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)**

آیه الله زاده فقیه اهل بیت حضرت آیه الله حاج شیخ حسن صافی اصفهانی رحمه الله نقل کردند در یکی از سفرهایی که مرحوم پدرم آیه الله صافی خواستند از تهران به مکه مشرف شوند در بین راه جهت زیارت حضرت معصومه علیها السلام و خداحافظی با آقای مجتهدی به قم آمدند. بنده که آن زمان در قم ساکن بودم همراه ایشان به منزل آقای مجتهدی رفتیم در آنجا پدرم به آقای مجتهدی گفتند: توصیه ای بفرمایید.

ایشان فرمودند در این سفر سه مطلب برای شما اتفاق میافتد و هر سه مطلب را دقیقاً بیان فرمودند که از جمله آن مطالب تشریف به خدمت ولی عصر ارواحنافداه و شناختن آن حضرت در حین تشریف بود.

آیه الله زاده صافی میگفتند: هنگامی که پدرم از مکه مراجعت نمود از ایشان پرسیدم آیا مطالبی که آقای شیخ جعفر مجتهدی فرمودند به وقوع پیوست؟ ناگهان ایشان متغیر شده و فرمودند:

کاری به این کارها نداشته باشید؛ و از دادن جواب امتناع کردند.

چند ماه بعد که همراه مرحوم والد جلسه ای در منزل یکی از اهل علم رفته بودم شخصی از علماء حاضر در جلسه از پدرم سؤال کرد این آقای مجتهدی کیست؟ آیا این کراماتی که نسبت به ایشان نقل میکنند صحت دارد؟

پدرم گفتند: بلی. او گفت: آیا شخصی از شما از ایشان چیزی دیده اید؟ آنچه را خود دیده اید نقل کنید در این موقع که پدرم فراموش کرده بودند زمانی که میخواستند به مکه مشرف شوند و خدمت آقای مجتهدی رسیدند من همراهشان بودم گفتند در سفر اخیر که میخواستم به مکه مشرف شوم آقای مجتهدی فرمودند در این سفر سه مطلب برای شما اتفاق میافتد و هر سه را دقیقاً بیان نمودند و همان طور که ایشان خبر داده بودند هر سه مطلب واقع گردید.

آیه الله زاده صافی میگفتند در اینجا شدم مرحوم والد خدمت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مشرف شدند. (1)

ص: 60

حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ مهدی خانجانی نقل کردند که من با مرحوم آیه الله حاج شیخ حسن صافی رحمه الله و آیه الله ابراهیمی برای مجلس فاتحه برای مرحوم آیه الله سید حسن میرجهانی به شهرضا رفتیم. در بین راه آیه الله صافی رحمه الله به من گفتند آقای خانجانی یک توسل به حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پیدا کنید وقتی چند بیتی از حضرت خواندم، ایشان به شدت متقلب شدند. آقای خانجانی گفتند از ایشان سؤال کردم آیا شما خدمت حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسیده اید؟ ایشان فرمودند شما کاری به این کارها نداشته باشید و این شعر را زمزمه کردند

هر که را اسرار حق آموختند \*\*\* مهر کردند و دهانش دوختند

باز اصرار کردم و ایشان را قسم دادم آنگاه گفتند میگویم ولی تا زنده هستم به کسی نگویند دو بار توفیق تشریف حاصل شد. یکی در حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) و یکی هم در مکه در مسجد الحرام.

سرانجام آن عالم عامل در سحرگاه جمعه سوم جمادی الاول 1416 مطابق با 1374 هجری شمسی پس از 75 سال عمر بابرکت روحش به ملکوت اعلاء پیوست

قال علی (علیه السلام) المؤمنُ علی أي حال مات و فی أي ساعةٍ قبضَ فهو شهیدٌ. (1)

امام علی (علیه السلام) می: فرمود مؤمن در هر حالتی بمیرد و هر ساعتی قبض روح شود شهید است.

ص: 61

در پایان وصیت نامه بیان نموده است فرزندان عزیزم دلم میخواهد محل دفن من در مقبره علامه مجلسی رضوان الله باشد. جایی که مؤمنین جمع اند و فضای آن با تلاوت قرآن و نماز معطر است.

آن عارف فحل و فقیه باکرامت \*\*\* دارد به دارالقدس سبحانی اقامت

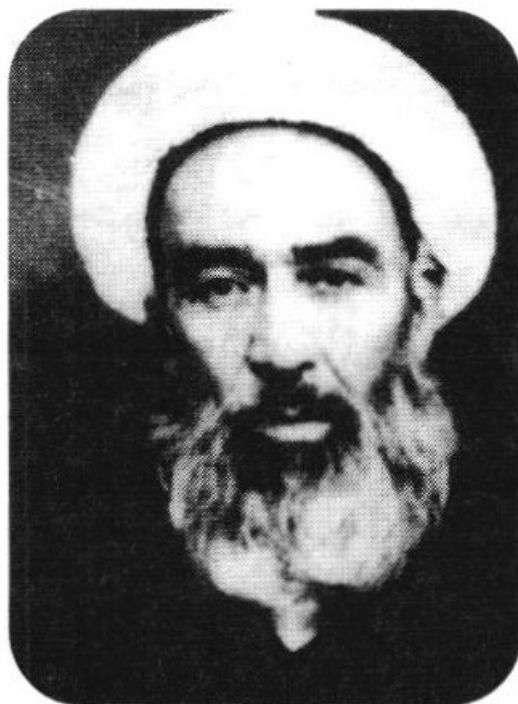
آنجا کمی پایین تر از آن قدس درگاه \*\*\* باشد مزار صافی آن مرد دل آگاه

صافی فقیه و عارفی روشن روان بود \*\*\* بیزار از آوازه و نام و نشان بود

از تربت پاکش نسیم عشق خیزد \*\*\* عطر بهشتی زان حریم عشق خیزد

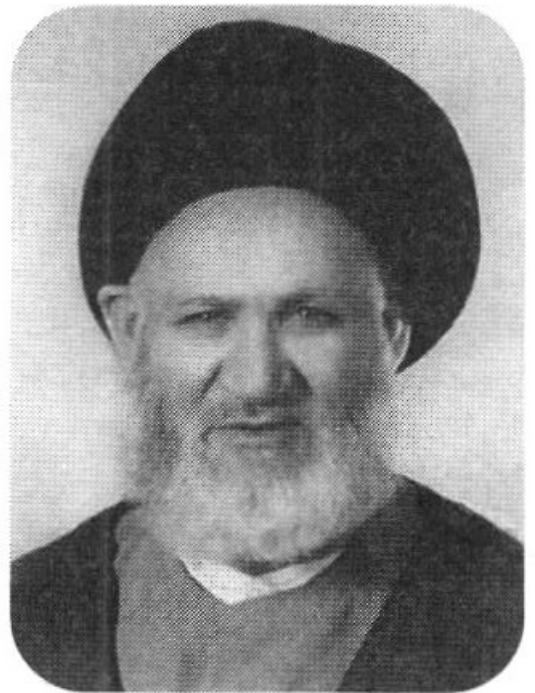
هرگاه سایم جبهه بر آن مدفن پاک \*\*\* روحم کند از خاک سیری سوی افلاک (1)

ص: 62



آية الله ميرزا محمد طيب زاده رحمه الله ايشان فرزند مرحوم حاج ميرزا ابوالقاسم طيب عالم فاضل، زاهد، عابد فقيه عادل از علمای اخيار و فضلاى ابرار در شب جمعه 13 صفر سال 1306 در اصفهان متولد شد.

در شب يکشنبه 5 ذى القعدة 1390 قمرى وفات يافت و در مقبره علامه مجلسى رحمه الله مدفون شد براى آن عالم بزرگوار تعداد 21 عنوان کتاب از تألیفات او در کتاب زندگى علامه مجلسى رحمه الله جلد 2 نامبرده شده است.



مرحوم آية الله سيد ضياء الدين علامه اصفهانی له در حدود سال 1290 شمسی و در سال 1330 قمری در اصفهان در خاندانی عالم به دنیا آمد.

ایشان در نوجوانی عشق وافر به تحصیل فراگیری علوم اسلامی داشت و بعد از تعلیم مقدمات علوم در اصفهان برای ادامه تحصیلات حوزوی به نجف اشرف رفت و آنجا از بزرگان علم و معرفت خوشه چینی کرد

از دروس خارج آیات عظام سيد عبدالهادی شیرازی رحمه الله و سيد محسن حکيم رحمه الله و سيد محمود شاهرودی رحمه الله و سيد ابوالقاسم خویی رحمه الله بهره کامل برد و از آنان اجازه اجتهاد و روایت دریافت کرد.

ایشان در نجف بر اثر ملازمت و تماس با محقق فرزانه آقابزرگ تهرانی و استفاده از محضر او در فنون کتاب شناسی و رجال موفق به نوشتن آثار ارزشمندی گردید

ایشان پس از 10 سال توقف در نجف به اصفهان بازگشت و به انجام امور دینی در مسجد و منبر و حل مشکلات مردم همت گماشت. از ایشان آثار متعددی بر جای مانده که برخی از آنها از این قرار بوده است

1. تفسیر ضیاء

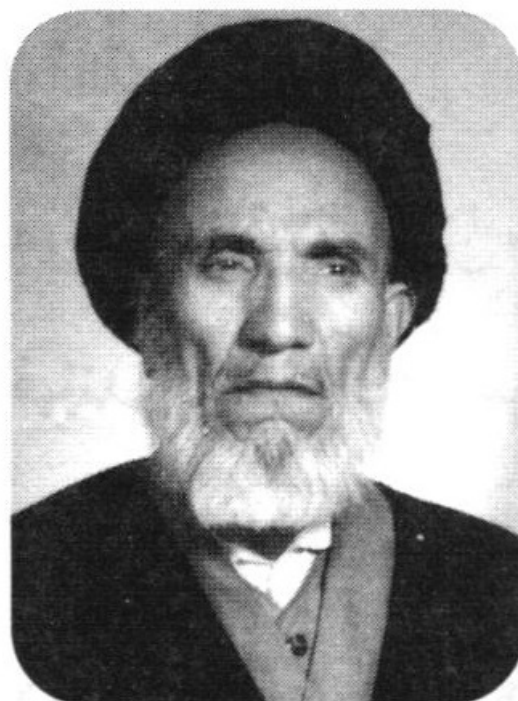
2. تحقیق کتاب وافی در 16 جلد

3. تحقیق مجمع الرجال در 7 جلد

سرانجام این عالم شایسته در 10 بهمن سال 1377 برابر با 14 شوال 1419 در سن 87 سالگی چشم از جهان فروبست و پس از تشییع باشکوه در جوار مزار علامه مجلسی رحمه الله به خاک سپرده شد

ص: 64

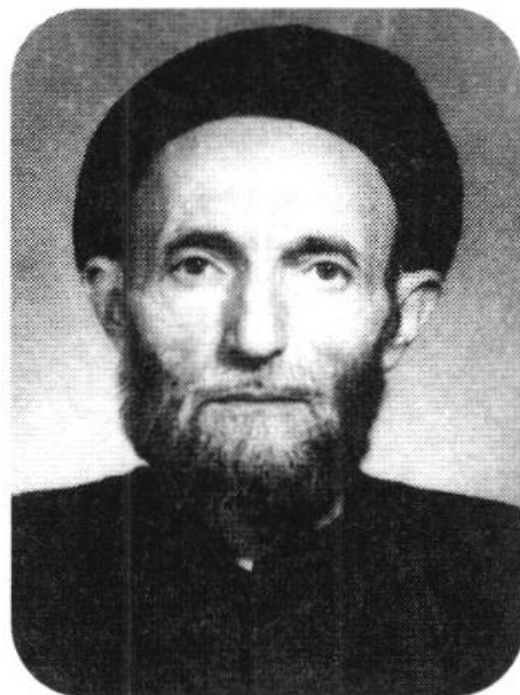




آية الله سيد اسماعيل هاشمی طالخونچه رحمه الله فرزند آقا محمدحسن سيد ابراهيم. آن عالم فاضل جليل در سال 1330 در طالخونچه از بلوک سميرم متولد گرديد مقدمات علوم را نزد پدر و نزد برادر بزرگ مرحوم سيد علی اکبر هاشمی فراگرفت سپس به اصفهان آمد و از بزرگان اصفهان و بعد علمای قم بهره ها برد

اساتيد او عبارتند از شيخ محمدرضا نجفی سيد مهدی نجفی، سيد محمدتقی خوانساری، سيد صدرالدين صدر، آية، شيخ عبدالکریم حائری رحمه الله و ديگر بزرگان و اعضای جلسه استفتا مرحوم آية الله ميرسيد علی بهبهانی رحمه الله در اصفهان به شمار رفت.

برای او 7 تأليف ذکر شده که بعضی از آنها چاپ شده است. او عالمی خدمتگزار و زاهدی پرهيزگار بود و استادی در اخلاق، جوانان بسياری از او بهره بردند اين عالم شايسته در سال 1378 مصادف با 28 جمادی الاول 1420 در جوار علی بن موسی الرضا (عليه السلام) روحش به ملکوت اعلا پیوست و بعد از تشييع در مشهد و اصفهان در جوار علامه مجلسی رحمه الله دفن گرديد.



مرحوم آیه الله میر سید حسن مدرس هاشمی رحمه الله فرزند آیه الله آقای میر سید محمد متولد سال 1329 قمری و 1296 شمسی در اصفهان میباشند و بعد از دوره صباقت به مکتب رفت تا 10 سالگی دروس فارسی را کامل یاد گرفت و بعد از سن 11 سالگی تا 14 سالگی در مدرسه درب کوشک خدمت مرحوم آیه الله حاج آقا آخوند زفره ای ادبیات عرب را فراگرفت. کتاب قوانین را نزد آیه الله مفید و شرح لمعه را در خدمت شیخ علی یزدی و آیه الله میرزا احمد اصفهانی آیه الله حاج آقا رحیم ارباب و مرحوم آیه الله سید مرتضی خراسانی فراگرفت و سطح خارج و کفایه را نزد آیه الله سید محمد نجف آبادی رحمه الله و چهار سال در حوزه درس آیه الله سید علی نجف آبادی رحمه الله از فقه و اصول بهره مند شد و نیز چند سال از درس آیه الله حاج شیخ محمد رضا نجفی رحمه الله و دو سال از خارج آیه الله آقای سید مهدی درچه ای رحمه الله بهره مند گردید.

او در سال های متمادی برای عده ای از طلاب در رشته های مختلف تدریس نمود چند نکته از پیامهای شایسته این عالم برای طالبان علم ذکر می شود

1. طالب علم باید مواظب آفات علم که مهم ترین آنها عجب و غرور است باشد.

2. مطالب بزرگان را خوب درک کند.

3. نسبت به اعمال عبادی مقید باشد.

4. در توسل به ائمه هدی علیهم السلام مداومت داشته باشد

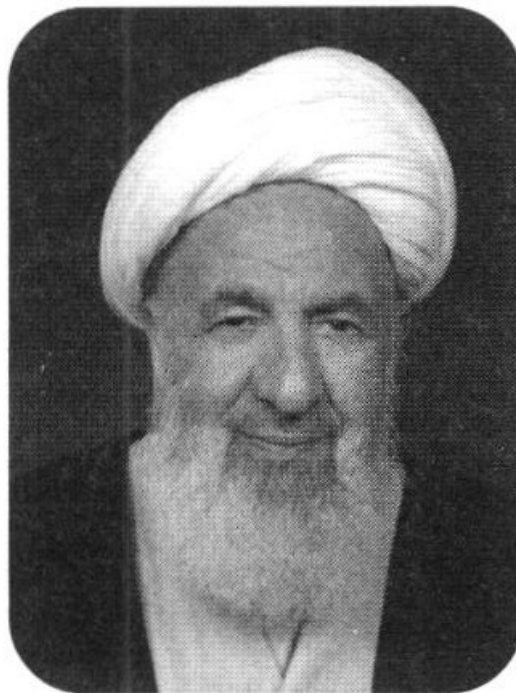
باز فرمود

5. طالب علم باید در طلب علم اخلاص داشته باشد.

6. مؤدب به اخلاق اسلامی باشد و بداند اگر طالب علم متخلق به اخلاق اسلامی شد و روح تقوا در او ایجاد شد از ناحیه مفیض علم به او افاضه علم و توفیق می شود.

سرانجام این عالم عامل شایسته در سال 77 به ملکوت اعلا پیوست و در جوار مقبره علامه مجلسی رحمه الله دفن گردید.

ص: 67

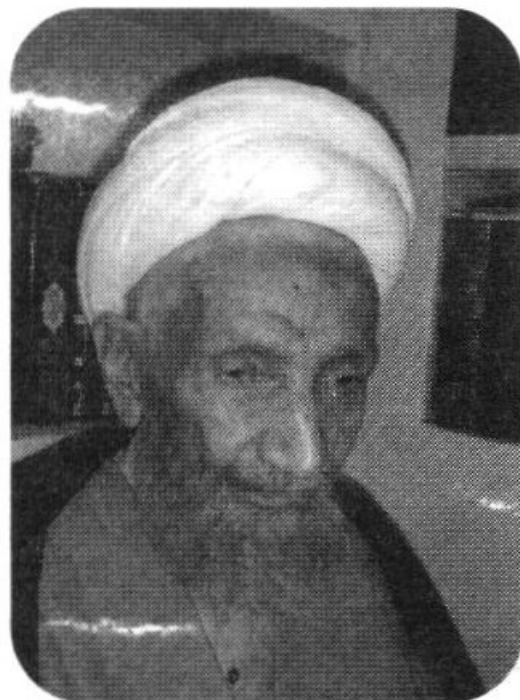


مرحوم آیه الله احمد زاهد نجفی رحمه الله در سال شیخ 1304 در آخر ماه شعبان 1342 قمری در اصفهان در محله بیدآباد به دنیا آمد و در سن 22 سالگی وارد رشته طلبگی شد و از مرحوم سید نورالله قاضی عسگر و از شیخ محمدتقی قمشه ای بهره مند شد.

او در 23 سالگی برای ادامه تحصیلات به حوزه علمیه نجف اشرف عزیمت نمود و از مدرسان حوزه علمیه نجف از شیخ محمد علی مدرس افغانی و از آیه الله میرزا علی آقای فلسفی و آیه الله شهید سید اسدالله مدنی و شیخ محمد تقی آل راضی و درس خارج از آیه الله العظمی سید ابوالقاسم خویی رحمه الله و آیه الله العظمی سید محسن حکیم رحمه الله و آیه الله العظمی سید محمود شاهرودی رحمه الله و آیه الله العظمی آقای سید روح الله خمینی رحمه الله و آیه الله حسین حمامی رحمه الله بهره برد و خود ایشان دروس سطح را نیز تدریس مینمود و 30 سال در نجف اشرف اقامت گزید.

او در سال 1395 قمری در 14 ذیقعد به ایران برگشت و بعد از ورود به اصفهان مشغول تدریس و اقامه نماز در مساجد مختلف و بیان احکام شریف شد و تقید به تشرف مجالس سید الشهداء (علیه السلام) و کارهای ارزشمند عام المنفعه داشت.

آن عالم شایسته در روز جمعه 22 آبان سال 1388 در سن 84 سالگی روحش به دیار باقی شتافت و بعد از تشییع باشکوه و اقامه نماز بر پیکرش در مقبره علامه مجلسی رحمه الله دفن گردید



مرحوم آیه الله حاج شیخ مجتبی بهشتی رحمه الله در حدود سال 1332 قمری برابر با سال 1292 شمسی در نجف اشرف چشم به جهان گشود پدرش مرحوم حجت الاسلام والمسلمین آقای میرزا محمدعلی اصفهانی که از علمای نجف اشرف بود در سال 1375 قمری در جوار امیرالمؤمنین (علیه السلام) در صحن مطهر نزدیک قبر مرحوم محدث نوری رحمه الله به خاک سپرده شد.

مرحوم آیه الله بهشتی رحمه الله دروس مقدمات را در نزد پدر و میرزا عبدالله تهرانی و شیخ حسین جندقی فراگرفت و کتاب لمعه را در نزد مرحوم شهید آیه الله شمس آبادی رحمه الله آموخت و مکاسب و کفایه را نزد مرحوم آیه الله حاج میرزا حسن یزدی و دروس خارج فقه و اصول را در نزد آیه الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی رحمه الله و مرحوم آیه الله العظمی سید محسن حکیم رحمه الله و آیه الله العظمی سید محمود شاهرودی رحمه الله و آیه الله العظمی سید ابوالقاسم خویی رحمه الله و آیه الله میرزا هاشم آملی رحمه الله آموخت و بعد از 5 سال به حوزه علمیه قم آمد و از بزرگانی مانند آیه الله العظمی حاج سید حسین بروجرذی رحمه الله بهره مند شد. آنگاه به اصفهان آمد و حدود 50 سال در مدرسه صدر بازار به تدریس فقه و اصول پرداخت و شاگردانی ارزشمند تربیت نمود. سرانجام این عالم فقیه باتقوا پس از نود و اندی سال در عصر روز پنجشنبه 18 ذی الحجه 1439 مصادف با عید سعید غدیر برابر با 8 شهریور 1397 به جهان باقی شتافت و در جوار علامه مجلسی رحمه الله در کنار قبر مرحوم آیه الله میرجهانی رحمه الله دفن گردید.

دعوت حق را اجابت کرد در عید غدیر \*\*\* بس که بودش عطر میثاق ولایت در مشام

عاقبت از جذبه ترویج احکام آرמיד \*\*\* در جوار مجلسی با عز و اکرام تمام

## شخصیت های مدفون در بقعه علامه مجلسی رحمه الله

1. آمنه خاتون دختر علامه محمدتقی مجلسی رحمه الله همسر محمد صالح، مازندرانی بزرگترین و داناترین دختر مجلسی اول که به علم و فضل و تقوا و زهد آواز داشت
2. شیخ ابوالبرکات
3. میرزا محمدامین
4. علامه مولی محمدتقی بن مولی عبدالله
5. میرزا محمد باقر بن میرزا عبدالله بن علامه مولی محمد باقر مجلسی
6. بنت المجلسی دختر ملا عزیز الله بن مولی محمد باقر مجلسی او نیز از ارباب کمال بلکه در عدد علماء شمرده شده و رساله های متعددی در مسائل فقهیه به او منسوب است
7. میرزا محمدتقی الماسی عالم فاضل جلیل
8. علامه مولی محمدتقی بن مولی مقصود علی معروف به مجلسی اول
9. میرزا جعفر فرزند مرحوم حاج میر سید محمد حاج سید خاتون آبادی
10. آقا جلال معروف از شاگردان مجلسی
11. میرزا حسن علی بن میرزا محمد باقر مجلسی ثالث از علما سلسله مجلسی در اصفهان
12. میرزا حیدر علی شیروانی مجلسی فرزند مولی میرزا و خواهرزاده علامه مجلسی
13. خسرو آقا
14. میرزا رضا حسینی از علماء و سادات اصفهان بود.
15. آخوند ملا محمد رضا فرزند مولی محمد باقر مجلسی به علم و خصال حمیده آراسته و به تدریس مشغول بود.
16. آقا رضی بن مولی محمد نصیر بن مولی عبدالله بن مولی محمدتقی مجلسی اول که دارای تألیفاتی بوده است.
17. مولی زین العابدین بن مولی عبدالله بن علامه مولی محمدتقی مجلسی اول عالم زاهد، فقیه از خاندان مجلسی

18. مولی محمد صادق بن علامه محمد باقر مجلسی، فاضل، محدث جلیل

19. میرزا محمد صادق بن میرزا محمد علی بن میرزا جعفر خاتون آبادی حسینی

20. ابوالفضائل مولی حسام الدین صالح بن احمد بن شمس الدین طبرسی مازندرانی، اصفهانی، عالم، زاهد فقیه جامع محقق مدقق صاحب اخلاق فاضله و برکات حمیده کامله از شاگردان شیخ بهایی و محمدتقی مجلسی که کتابهای ارزشمندی تألیف نموده است.

21. میر عبدالباقی صغیر

22. مولی عبدالله بن شیخ ابوالبرکات واعظ اصفهانی از وعاظ مسجد جامع اصفهان بود.

23. مولی عبدالله بن حاج رحیم بروجردی اصفهانی از بزرگان اصفهان بوده و دارای تألیفات نفیسه است

24. ملا عزیز الله بن میرزا محمد تقی الماسی عالم فاضل، محقق، ادیب و شاعر

25. میرعظیم بن میر عنایت الله از مشاهیر علمای اصفهان

26. آخوند ملا محمد علی از علماء و فقهای اصفهان

27. مولی کمال الدین محمد علی بن احمد بن کمال الدین حسین استرآبادی عالم، فاضل و محقق داماد علامه مجلسی، اول، دارای تألیفاتی میباشد.

28. میرزا محمد علی بن میرزا جعفر عالم فاضل نامش در عدد امام جمعه های

اصفهان آمده

29. میر علی تقی از علماء و فضلاء اصفهان

30. مولی محمدقاسم عالم، فاضل، محقق و از مشایخ اجازه و دایی علامه محمدتقی مجلسی اول

31. مولی محمد قاسم بن محمد رضا هزار جریبی

32. مولی محمدکاظم بن مولی محمد علی از اکابر علماء اصفهان بوده است

33. مولی شمس الدین محمد معروف اصفهانی عالم، فاضل، عارف زاهد، متقی

34. علامه، فقیه، زاهد امیر سید علاء الدین محمد بن ابی تراب گلستانه فرزند امیر ابوالمعالی بن میر مرتضی حسینی از اکابر علماء و محدثان جلیل القدر

35. حاج میرزا محمد طیب زاده فرزند حاج میرزا ابوالقاسم طیب گوگردی بن میرزا محمد علی بن حاج محمد عالم، فاضل، زاهد، عابد فقیه عادل جامع

از علماء اخیار و مورد وثوق دارای 21 عنوان تألیف است

36. حاج میرسید محمد بن میرسید عبدالباقی حسینی خاتون آبادی

37 میرزا کمال الدین محمد بن معین الدین محمد فسوی شیرازی اصفهانی

38 مخلص کاشانی میرزا محمد نام داشت و اشعار خوبی می سروده است.

39. آقا میر محمد مهدی بن میر ابوطالب حسینی خاتون آبادی

40 ملا محمد مهدی بن حاج محمد زهیر هرنندی اصفهانی از سلسله نحوی های هرنند عالم فاضل، ادیب.

41. آقا مهدی بن آقا هادی مترجم فرزند علامه مولی محمد صالح مازندرانی عالم، فاضل، محقق و برای ایشان تألیفاتی ذکر نموده اند.

42. مولی محمد نصیر بن مولی عبدالله بن علامه مولی محمد تقی مجلسی اول عالم، فاضل و ادیب دارای تألیفاتی میباشد

43. آقا هادی بن علامه مولی محمد صالح مازندرانی معروف به آقا هادی مترجم عالم و فاضل و ادیب، کامل محدث جامع، زاهد عابد که دارای تألیفاتی می باشد.

44. آیه الله حاج سید حسن میرجهانی

45. آیه الله حاج شیخ حسن صافی

46. آیه الله حاج سید ضیاءالدین علامه

47 آیه الله حاج سید اسماعیل هاشمی طالخونچه ای

48. آیه الله حاج میر سید حسن مدرس هاشمی

49. آیه الله حاج شیخ احمد زاهد نجفی

50 آیه الله حاج شیخ مجتبی بهشتی



بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

